

کیش و مات

انقلاب اسلامی در هجرت شماره 726:

کشماکش بر سر تعیین سرنوشت «رهبر» و «رهبری» است:

*** نخست سخنان و نوشته هائی را بخوانید در حمله به هاشمی رفسنجانی که گویای زمینه سازی کنار گذاشتن او هستند:**

«امر بسیار مهمی که قلب بزرگ که آن را «کودتای سفید» (هرچند با حمله مسلحانه به دانشجویان خونین شد) خوانده، اند از نظرها پنهان نگاه داشته است، سرنوشت «رهبر» و «رهبری» است. با آنکه طرفداران احمدی نژاد علت حمله او را به هاشمی رفسنجانی، در مناظره با موسوی، بیرون بردن خیال رهبر شدن و یا رهبر تراشیدن از دماغ هاشمی رفسنجانی بوده است، با وجود این، کسی توجه نکرد که موضوع محوری در این انتخابات، «رهبر» و رهبری است.

تنها حسینیان و یکی دو تن دیگر از حامیان احمدی نژاد نبودند که حمله ها به هاشمی رفسنجانی، عزل او را از ریاست مجلس خبرگان و نیز جمع تشخیص مصلحت هدف قرار داده اند:

• کیهان 26 خرداد 88، نوشته است: «طلحه و زبیرهای معاصر بودند که بیعت با انقلاب را فقط به شرط «شراکت در قدرت» قبول داشتند وگرنه ابایی نداشتند سر به شورش بگذارند و عرصه را به خیال خود بر حاکمیت تنگ کنند. به سادگی از تغییر قانون اساسی و تمدید ریاست جمهوری فلان آقا سخن گفتند تا خود در قدرت بمانند، بعداً

برای همان آقا لایحه اختیاراتی نوشتند که می شد با آن اختیارات، مصوبات مجلس و احکام قوه قضائیه را وتو کرد. سپس خیز برداشتند از نظام باج بخواهند، پس بست نشینی در مجلس را راه انداختند. پس از آن با گردن کلفتی تمام تهدید کردند نمی گذارند انتخابات مجلس هفتم برگزار شود. تهدید به استعفا در سطوح بالای مدیریتی کردند و... حالا می گویند به قانون و انتخابات و رای مردم گردن نمی نهیم چون نامزد-های-مورد حمایت احزاب و ائتلاف ما رای نیاورده اند. دیکتاتورند به تمام معنا.»

• به گزارش فارس نیوز متعلق به احمدی نژاد 8 سؤال مردم از مراجع عظام تقلید در باره هاشمی رفسنجانی به عمل آمده اند:

جمعی از مردم و مقلدین طی نامه ای به مراجع عظام تقلید، درباره هاشمی رفسنجانی هشت سؤال مطرح کرده و خواستار پاسخ مراجع عظام به این سوالات برای هدایت و روشننگری عموم مومنین و مقلدین خود شدند.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، مشروح سوالات هشتگانه مردم از مراجع عظام تقلید بدین شرح است:

1- نظر به جایگاه رفیع ولی فقیه و اهمیت ولایت فقیه در روایات و فقه شیعه اگر شخصی در نامه ای سرگشاده حاکم اسلامی را مورد عتاب و استیضاح قرار بدهد و با عنایت به اینکه نامه سرگشاده هیچ سنگینی با النصیحه لائمه المسلمین، ندارد مسئله چه حکمی دارد؟

2- نظر به اهمیت نظام اسلامی و حفظ وحدت و یکپارچگی امت اسلامی اگر شخصی نظام اسلامی را تهدید به آشوب کند و بکوشد میان صفوف ملت اسلامی تفرقه و اختلاف ایجاد کند مسئله چه حکمی دارد؟

3- اگر شخصی از جایگاه حقیقی و حقوقی خود سوء استفاده از اموال عمومی و فساد اقتصادی هستند، ایجاد مصونیت قضایی کند مسئله چه حکمی دارد؟

4- با توجه به سوالات مطرح شده آیا اینچنین شخصی عدالت و صلاحیت لازم برای تصدی منصب خطر امامت جمعه و جماعت را دارد؟

5- آیا حمایت و ترویج از چنین شخصیتی به بهانه خدمات فراوان و سوابق درخشان وی جایز است، یا اینکه حال فعلی او ملامت است؟

6- اگر قوه قضائیه و دستگاه قضایی شجاعت لازم برای برخورد و مقابله با این شخص را نداشته یا اینکه با مصلحت اندیشی ناجا توان محاکمه چنین شخصی را از خود سلب کرده باشد تکلیف مردم و عموم مومنین چیست؟

7- حال اگر خانواده و اطرافیان چنین شخصی در مظان اتهام جدی به فساد اقتصادی و تصرف در بیت المال باشند و دستگاه قضایی هم یا اهمال و یا قدرت مقابله با این مفاسد را نداشته باشد، آیا روشننگری افکار عمومی، به قصد ابهام زدایی از پیکره نظام اسلامی واجب نیست؟

8- آیا لازم نیست آنانی که بیت‌المال مسلمین در اختیارشان بوده، نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند و شبهات سالیان طولانی مردم را پاسخ دهند تا نظام اسلامی از شبهات مبرا شوند؟
در پایان با آرزوی طول عمر و سلامتی برای مراجع معزز تقلید، تقاضا داریم با پاسخ به این سوالات موجبات هدایت و روشنگری برای عموم مومنین و مقلدین را فراهم کنید.

***گزارش - تحلیل از ایران: امر بسیار مهمی که در یرده مانده، سرنوشت «رهبر» و «رهبری» است:**

برای روشن شدن بهتر انتخابات که با مهندسی خامنه ای و بیت او انجام گرفت، لازم است گفته شود که تقلب در انتخابات آنقدر فاحش است که همه دانسته اند که خامنه ای برای جلوگیری از تنش های پیش آمده که ناشی از تبهکاری او هستند، ناچار شده است بار دیگر دست به کودتا زند .
اولین کودتا در دوران انقلاب، توسط هاشمی و خامنه ای و بهشتی و دیگران تحت نظر خمینی در سال 60 شکل گرفت که در نهایت منجر به حذف رییس جمهور منتخب ملت ایران گردید. اینبار، کودتا به شکلی دیگر انجام شد و این کودتا به فرمان سید علی خامنه ای از کودتاگران سال 60، برضد آرای مردم انجام شد. خود وی نیز در جریان آن کودتا شریک کودتاگران بود و جالبتر اینکه در این کودتا همان کودتاگران قبلی خود به همان سرنوشتی که برای بنی صدر ایجاد کرده بودند گرفتار آمده اند .
با حرکت و جنبش مردم نظام ولایت چاره ای ندید به جز اینکه دست به حذف بخش بزرگی از نیروهای درونی خود بزند که اینبار قرعه به نام برخی از کودتاگران سال 60 افتاد از جمله هاشمی رفسنجانی - میر حسین موسوی - مهدی کروبی - موسوی خوئینی ها - بهزاد نبوی - امین زاده - تاج زاده و...
بنا به تازه ترین خبرها، بسیاری در جریان این کودتا دستگیر شده اند و به احتمال بسیار برخی های دیگر نیز در آینده نزدیک دستگیر خواهند شد تا پروژه کودتای انتخاباتی کامل شود .

• نیروهای دخیل در این کودتا :

- 1- مقام معظم رهبری و بیت ایشان در ردیف اول
- 2- گروه های وابسته به باند مافیای بیت رهبری و رهبر که شامل هیات متولفه - فداییان رهبر - اصولگرایان - مدرسین حوزه های علمیه - - جامعه اسلامی مهندسان - دانشجویان - معلمان - جمعیت زنان - جامعه زینب - جمعیت ایثارگران و ...
- 3- کلیه نیروهای نظامی تابع منویات رهبری سپاه و بسیج و نیروی مقاومت بسیج
- 4- نیروهای انتظامی وابسته به باند سرکوب رهبر و بیت رهبری که با گروه جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی رابطه ای تشکیلاتی دارند .
- 5- بنیاد مستضعفان و کمیته امداد امام و دیگر بنیادهای مالی وابسته
- 6- صدا و سیما و نشریات رسانه ای وابسته به نظام مافیایها و وب سایت های وابسته به کودتا
- 7- برخی روحانیون وابسته به قدرت و حوزه های علمیه قم و مستقر در نیروهای نظامی
- 8- نیروهای سرکوبگر خیابانی و انصار حزب الله و چاقداران و کفن پوشان
- 9- مسئولان سیاسی وابسته به باند حاکم و برخی نمایندگان مجلس حدود 60 نفر
- 10- باند تشکیلات مافیایی قضایی نظام ولایت
- 11 - برخی ائمه جمعه و جماعت و مداحان و وعاظ وابسته به نظام ولایت مافیایها
- 12 - کلیه نیروهای وابسته به دولت در امور کشور داری از جمله وزرای کشور - مخبررات - دفاع - خارجه اطلاعات و...
اما چرا این کودتا انجام شد و چرا رهبری رژیم ولایت در حالی که در راس قدرت نظام بود ناچار به این عمل شد ؟ بنا به آخرین اطلاعات، از آنجایی که خامنه ای حال خوبی ندارد و امکان دارد که از دو نظر مسله رهبری مطرح است:
1 - بفرش که خامنه ای سالم باشد، هر رئیس جمهوری غیر از احمدی نژاد، خامنه ای را در موضع دفاعی قرار می دهد و او مجبور است مداخلات خود را در امور کشور محدود کند.
2 - اما اگر بیماری او واقعی باشد و مسله انتخاب جانشین برای وی ، مسله آینده نزدیک باشد، «بیت رهبری» و مافیای نظامی - مالی می باید از هم اکنون، انتخاب جانشین او را برنامه گذاری کنند. گرایشهایی تلاش بسیار می کنند فرزند او آقا مجتبی را جانشین وی کنند. در جمع، بنا بر این است که تکلیف جانشین خامنه ای در زمان حیات او معین شود. به همین دلیل نیاز بود دست به جراحی بزرگی در نظام بزنند. می باید همه گرایشها و شخصیت ها را که می توانند در تعیین رهبری نا سازگار با مافیای خامنه ای و مافیای نظامی - مالی، نقش داشته باشند، کنار بزنند. به همین دلیل نیاز به حضور و ادامه کار دروغگویی و آلت فعلی به نام احمدی نژاد نیاز است. لذا، مجتبی برای جانشین شدن به جای وی و نیز برای این که رهبر متعلق به این مافیایها باشد، نیاز به این دارد که احمدی نژاد رئیس جمهوری باشد. رؤسای دو قوه دیگر نیز، از «خودی» ها باشند و هاشمی رفسنجانی هم در مقام ریاست خیرگان رهبری و ریاست شورای تشخیص مصلحت نظام نماند. یا بقدری تضعیف شود که کاری از او ساخته نباشد.

مجتبی، تحت نظر و امثال مصباح یزدی بار آمده و اینک همه کاره «بیت» گشته و خواستار ادامه ریاست جمهوری احمدی نژاد شده و دستیار پدر خود در انجام تقلب بزرگ انتخاباتی شده است.

طراحان تقلب بزرگ با به میدان آوردن موسوی و باز گذاشتن فضای انتخاباتی مردم را فریب دادند و مردم نیز در فضای آزاد ایجاد شده امیدوار به انتخاب رئیس جمهوری شدند که فکر می کردند نسبت به خامنه ای، تا حدودی استقلال رأی دارد و مجران ساز نیست. اما برنامه گذاران به خوبی می دانستند چه هدفی را تعقیب می کنند. وگرنه امکان نداشت اجازه دهند دختران و پسران در میادین و خیابانهای تهران و شهرستانها جمع شوند و آزاد و شاد، مخالفت خود را با رژیم اظهار کنند. طراحان تقلب بزرگ وانمود کردند که از نظر آنها، هر یک از چهار نامزد رأی بیاورد، پذیرفته است. تا زمان برگزاری انتخابات نظام دندان بر جگر گذاشتند و تمام اتهامات به احمدی نژاد و تعرض ها به خامنه ای را تحمل کردند. عجیب اینکه هیچ جماعتی در خیابانها نبود که با این شعارها که برخی کل نظام را هدف گرفته بود برخورد کند.

● مدیریت و مهندسی بیش از انتخابات

- آزاد گذاشتن مردم جهت برگزاری میتینگ های سیاسی
- اجازه عمل دادن به دو کاندیدای اصلاح طلب برای جلب مشارکت مردم
- ایجاد فضای باز سیاسی برای اجتماع مردم و ترغیب شدن به شرکت در انتخابات
- دادن آزادی به مطبوعات برای جلب نظر مردم به شرکت در انتخابات
- دعوت به حضور همه سیاسیون در صحنه
- واگذاشتن کشور به مدت حدود 15 روز به مردم
همه اینها برنامه هایی بود که خامنه ای و دستیاران او به اجرا در آوردند و زمینه حضور هر چه بیشتر مردم را فراهم آوردند. چرا این کار را کردند؟ زیرا خامنه ای و «رهبر» آینده نیاز به مشروعیت دارند. بر این گمان بودند که شرکت مردم در دادن رأی، او و جانشین احتمالی او را از این مشروعیت برخوردار می کند. اگر او با آن شتاب، بر انتخابات صحنه گذاشت، برای این بود که دهان اعتراض کننده ها را ببندد و به دنیا بگوید از بیشترین مشروعیت برخوردار است. در چنین شرایطی، تحریم کنندگان انتخابات که تحریم را نه به ولایت فقیه و آری به حاکمیت مردم می خوانند، به مردم ایران هشدار دادند که احمدی نژاد را از صندوق بیرون خواهند آورد. اگر به همان وسعت که مردم در انتخابات شرکت کردند، در تحریم آن شرکت می کردند، درجا، رژیم از مشروعیت محروم و با استفاده از ضعف آن، می توانستند به خیابانها در آیند و تغییر را قطعی کنند.
انتخابات برگزار شد و مردم شاد و خوشحال از اینکه با تمام توان برای مخالفت با «رهبر» و برکناری مترسک وی محمود احمدی نژاد وارد مبارزه انتخاباتی شده اند، به پای صندوقها رفتند.
هاشمی رفسنجانی که خود زمانی از کودتاجیان بر ضد رئیس جمهور منتخب، بنی صدر، بود، از قصد خامنه ای آگاه بود. طی نامه ای به او هشدار داد. اما خامنه ای بی اعتناء به نامه او، طرح تقلب بزرگ را به اجرا گذاشت.

● هدفی که خامنه ای و «بیت» او تعقیب می کنند:

- کسب مشروعیت بالا با به میدان کشاندن مردم در انتخابات
- نمایش محبوبیت رهبری نظام به جهانیان
- تصفیه شدید نیروهای مخالف پس از انتخابات
- حذف چهره هایی که برای بر سر کار آمدن رهبر جدید خطرناک بود.
- حذف رئیس مجلس خیرگان که مانع از به «رهبری» رسیدن نامزد مافیای خامنه ای و مافیای نظامی - مالی می شود.
- حذف بخش عظیمی از نیروهای سیاسی که در حال و آینده مزاحم این مافیایها هستند
- به سر کار آوردن مجدد احمدی نژاد که حامی اصلی وی همان رهبر آینده است
- حذف بخش عظیمی از روحانیون که در آینده مشروعیت رهبر جدید را نمی پذیرفتند
- حذف فرماندهان پیشین نظامی و نظامی های سیاسی شده که امکان خطر در دوران رهبری جدید را به وجود می آوردند.
- سرکوب شدید مردم و ایجاد یاس و نا امیدی در روحیه های شادی که در آنها در این مدت به وجود آمده بود.
- سرکوب نیروهای مردمی که می توانند بر ضد خامنه ای و «رهبر» بعدی، مزاحمت ایجاد کنند.
از پیش از باز شدن درهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیمای رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.

● نظام چه ترفندهایی برای تغییر نتیجه بکار برده است؟:

بررسی های انجام شده معلوم کردند که مسئولان فریب انتخاباتی مراحل مختلفی را برای تغییر رأی مردم طراحی کرده بودند. با افشاکاری های انجام شده مردم می دانستند که نظام برای تغییر آرا توان اضافه کردن تا حدود 6 میلیون رأی به آرای

فرد منتخب خود را دارد . اما گمان نمی بردند به بیشتر از آن توانا باشد . از جمله فکر نمی کردند که امکان زمانی رأی دادن آنها را محدود کند و به جای آنها، خود بنام احمدی نژاد رأی به صندوق بریزد . تدابیری که بکار بردند عبارتند از:

- ایجاد هزاران صندوق سیار که در نوع خود بی نظیر بود و در آن قرار بود چند میلیون رأی برای احمدی نژاد بریزند .

- آماده سازی کلیه نیروهای حزب مسلح خود برای مهندسی انتخابات که در آخرین خبر معلوم شد که حدود 15 هزار صندوق در اختیار نیروهای سیاه پاسداران قرار گرفته بود که آنها بتوانند رأی مورد نیاز فرد منتخب را ایجاد نمایند .

- کاهش افراد آموزش و پرورش در حوزه های انتخاباتی و افزایش نیروهای نظامی لباس شخصی پوش در حوزه های آرا

- جلوگیری از حضور نیروهای ناظر کاندیداها در حوزه های اخذ رأی

- تشکیل گروه 500 هزار نفری شورای نگهبان برای خدوش نمودن رأی دهندگان

- آماده سازی کلیه مسئولان در بخشداری ها - فرمانداری ها - استانداری ها و ستاد انتخاباتی برای انجام تقلب بزرگ انتخاباتی

- تغییر صندوق های رأی و جابجایی رأی کاندیداها

- برداشتن تابلوی نام کاندیداها و در بسیاری موارد ندادن آگاهی به مردم به هنگام نوشتن رأی خود و افزودن کد کاندیدای مورد نظر

لازم به ذکر است که در این دوره از انتخابات 4 کاندیدا وجود داشت که ردیف و کد آنها به شرح زیر بوده است

1- محمود احمدی نژاد با کد 44

2- محسن رضایی با کد 55

- مهدی کروبی با کد 66

- میر حسین موسوی خامنه با کد 77

در حالی که تنها 4 کاندیدا وجود داشت دادن کد 44 به احمدی نژاد بسیار مشکوک بود در حالی که می شد کد را 33 و یا 55 معین کرد . اما چرا 44 معین کردند؟ زیرا قصد داشتند تقلب کنند .

برای اطلاع بیشتر به این موضوع توجه کنید که بسیاری از افرادی که برای رأی دادن به پای صندوق های رأی می رفتند تابلوی بزرگ اسامی کاندیداها و کد آنها را مشاهده نمی کردند و اگر هم مشاهده می کردند کد کاندیدا بر روی آن درج نشده بود .

حال اگر فردی می خواست نام کاندیدای مورد نظر خود را در برگه رأی بنویسد به این دلیل که ردیف میرحسین موسوی 4 بود، چنین می نوشت

میر حسین موسوی خامنه با کد 4

حال اگر مسئولان حوزه ها در خواندن آرای کاندیداها نام را در نظر می گرفتند با کد اختلاف داشت . لذا،

• خواندن رأی ها بر اساس نام سبب می شد که میر حسین موسوی با کد 4 جز آرای خدوش محاسبه شود .

• اگر جمع آوری آرا بر اساس کد محاسبه می شد پس کد موسوی که 77 بود در آن محل نبود و به جای آن کد 4 گذاشته شده بود که به راحتی به نام آقای احمدی نژاد واریز می شد

- تعرفه های انتخاباتی در حالی که حدود 10 میلیون اضافه چاپ شده بود در بسیاری از حوزه ها نایاب بود . گفته می شود به این دلیل بود که بسیاری در حال نوشتن آرای تقلبی بر آن تعرفه ها بودند . از این رو مانع از رأی دادن رأی دهندگان می شدند و آرای تقلبی را خود به صندوقها می ریختند . هم با استفاده از شناسنامه های قلبی و هم از راه برداشتن از آراء و جای گزین کردن با آرای تقلبی .

- در برخی از حوزه های جنوب تهران تعرفه برگه های انتخاباتی زیاد بود در حالی که در بخش های مرکزی و شمالی شهر این برگه ها وجود نداشت .

انقلاب اسلامی: بدیهی است که تقلب بزرگ، با وجود تضاد در مرکز قدرت حاکم، تخصصی را ببار می آورد که از راه حذف می باید حل شود:

نظام ولایت مطلقه پایه بن خود را می برد:

نوشتن مطلب در روزهای باقی مانده به انتخابات شاید سخت ترین نوع مطلبی باشد که نگارنده فکر می کند می توان نوشت . در چند روز مانده به انتخابات اخبار و اطلاعات آنگونه گسترده است که توجه به آنها و تحلیل بر اساس آن کار بسیار سختی است اما باید نوشت و آگاهی داد .

اخبار این روزها در ایران و اطلاعات پشت پرده همه تقریباً از یک امر حکایت دارند و آنهم تصفیه ای دیگر در رژیم کودتائی ولایت فقیه .

به نظر می‌رسد که ولی مطلقه فقیه از ترس از دست دادن قدرت با دستور حرکت دادن به سرباز چشم و گوش بسته خود که جنایت کاری بی نظیر و فریبکاری بزرگ و گویا تحصیل کرده دانشگاه ولایت مطلقه است و در دروغگویی حتی هاشمی رفسنجانی و خامنه ای را نیز پشت سر گذاشته، قصد دارد، تصفیه دیگری در رژیم بعمل آورد. اخبار پشت پرده حاکی از این است که «رهبر»، با دادن مجوز به زورپرست کوتوله خود، تصمیم به حذف هاشمی رفسنجانی و نیروهای اطراف او از جمله ناطق نوری - حسن روحانی - رضا اکرمی - و... را دارد.

طرفداران احمدی نژاد می‌گویند: رهبر متوجه شده است که هاشمی رفسنجانی رفتاری را در پیش گرفته است در نهایت منجر به معضلی بزرگ همانند منتظری خواهد شد و بهتر دیده است که وی را در همین دوران که فکر میکند قدرت بلامنازع را در اختیار دارد از صحنه بدر کند.

خامنه ای که گرفتار خودشیفتگی و بیماری قدرت شده است، بعد از به قدرت رسیدن هاشمی رفسنجانی به ریاست شورای خبرگان رهبری و شنیدن برخی آوازه‌ها از سوی وی مبنی بر شورایی کردن رهبری و بحث در مورد قدرت رهبری متوجه شده است که ادامه حرکت وی ممکن است منجر به تضعیف «مقام رهبری» شود. لذا باید به گونه ای هاشمی را از صحنه سیاست کشور حذف کند.

در جریان انتخابات که هاشمی و نیروهای وابسته به وی - کارگزاران سازندگی - و برخی از روحانیون همراه در جامعه روحانیت مبارز رو به سوی حمایت از موسوی گذاردند. رهبری فرصت را برای حذف این جامعه مناسب یافت. زیرا این جامعه با وجود تأکید «رهبر» حاضر به حمایت از احمدی نژاد نشد. گرچه مهدوی کنی خود به تنهایی با حمایت از احمدی نژاد خواست نشان بدهد که جامعه روحانیت مبارز از وی حمایت می‌کند، اما واکنش جامعه بر همگان معلوم کرد که از او حمایت نمی‌کند. عسگر اولادی اعلام کرد هیات متولفه حامی احمدی نژاد است اما تا هم اکنون اختلافات در این هیات ادامه دارد و کار به جایی رسیده است که بچه های وابسته به این هیات که تحت نام جامعه اسلامی مهندسان کار می‌کنند از ادامه حرکت احمدی نژاد در تخریب به قول خودشان استوانه های نظام به شدت متاثر شده و قرار است حمایت خود را از وی دریغ نمایند.

همین ماجرا در جریان حمایت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز تکرار شد. در حالی که اکثر روحانیون بلند پایه آن جامعه از جمله 1- آیت‌الله حسین مظاهری 2 - آیت‌الله عبدالله جوادی آملی 3 - آیت‌الله ابراهیم امینی 4 - آیت‌الله رضا استادی 5- آیت‌الله سیدمحمد خرازی 6 - آیت‌الله سیدحسن طاهری خرم‌آبادی 7 - آیت‌الله محمد مؤمن 8 - آیت‌الله سیدمحمد هاشمی شاهرودی 9 - آیت‌الله مرتضی مقتدایی 10- آیت‌الله حسین راستی کاشانی 11- آیت‌الله علی‌اکبر مسعودی خمینی 12 - آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی 13 - آیت‌الله صادق لاریجانی 14 - آیت‌الله احمد صابری همدانی 15 - آیت‌الله عباس محفوظی 16 - آیت‌الله سید ابوالفضل میرمحمدی

17 - آیت‌الله محمدعلی فیض گیلانی 18 - حجت‌الاسلام والمسلمین سید هاشم حسینی بوشهری 19 - حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمحمد غروی و برخی های دیگر که بعداً اعتراض کردند که آنها نیز به احمدی نژاد رای نداده اند. حال آنکه شیخ محمد یزدی به دستور خامنه ای حمایت جامعه را از احمدی نژاد اعلام حمایت کرد.

با نگاهی به اسامی روحانیان مخالف احمدی نژاد که در واقع مخالفان خامنه ای می‌باشند، مشخص است که خامنه ای در حال کنار گذاشتن طبقه روحانیون قدیمی و باسابقه است که عموماً در شورای تشخیص مصلحت و خبرگان رهبری و حتی در مقاماتی مانند امامت جمعه و جماعت قرار گرفته اند.

این جراحی بسیار درد آور می‌شود. زیرا خامنه ای مجبور است با کمک نیروهای روحانی جوان که معمولاً در کنار سپاه قرار گرفته اند و استفاده از نیروهای نظامی جوان و مطیع دست به حذف بزند. اگر اینکار صورت گیرد می‌توان گفت که بخش مهمی از پایه های قوام استبداد ولایت مطلقه، از بدنه رژیم خارج خواهد شد و این برای آینده رژیم بسیار خطرناک خواهد بود. آدمی را به یاد دستگیری های قبل از انقلاب از سوی رژیم پهلوی می‌اندازد.

نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به خامنه ای، یک امر را از پرده بیرون انداخت: طرفداران احمدی نژاد و خامنه ای می‌گویند: هاشمی رفسنجانی سودای رهبر شدن در سر داشته است و افشاگریهای احمدی نژاد، این سودا را از سر او بیرون کرد. طرفداران هاشمی رفسنجانی که مشغول ایجاد ترس از تصفیه شدید در صورت «انتخاب» احمدی نژاد هستند، توضیح می‌دهند که مناظره ها و رفتار دستگاه قضائی و صدا و سیما و شخص خامنه ای حکایت از آن دارند که او در حال کنار گذاشتن روحانیت باسابقه است. همانگونه که با آوردن جعفری و برخی دیگر از سرداران جوان فرماندهان سابق سپاه را کنار گذاشت.

مناظره های انتخاباتی از جمله مباحثی است که ایران را به خود مشغول داشته است و تقریباً مشخص کرده است که اطلاعات در مورد حذف نیروهایی از جمله هاشمی رفسنجانی - حسن روحانی - ناطق نوری - رسولی محلاتی - جوادی آملی - محمود هاشمی شاهرودی و... و همچنین حسن رضایی - علی شخانی - رحیم صفوی - محسن رشید و... صحت دارد و خامنه ای با جلو فرستادن احمدی نژاد و حمایت مخفیانه و علنی از وی خواهان حذف نیروهای سابق و همراه خود است.

طرفداران هاشمی رفسنجانی می گویند: در مناظره های صدا و سیما احمدی نژاد نشان داد که تعلیم دیده خامنه ای است و هر چه را بر زبان می آورد، در واقع همان منویات رهبری است.

با فشارهای وارده بر هیات حاکمه و دولت احمدی نژاد و حضور بیش از حد جوانان در خیابانهای پایتخت، وضعیت جدیدی بوجود آمده است. جوانان مجال خشونت نمی دهند. شعارها یی که می دهند، بر ضد استبداد و بسود آزادی است. تصرف خیابانها توسط جوانان، کاری نیست که بسود خامنه ای باشد. هرچند مافیاهای نظامی - مالی هم جمعیت وارد خیابانها کرده اند، اما حتی حضور آنها نیز بسود رژیم نیست. زیرا می تواند این فکر را در جوانان القاء کند که نقش تعیین کننده را آنها دارند هر وقت به خیابانها در آید. بدین خاطر است که مسموعات و نیز خیرها در باره تراکم قوای سرکوب، مرتب انتشار می یابد. ترس از سرکوب بعد از انتخابات، دارد القاء می شود. طرفداران احمدی نژاد مرتب از شلوغی بعد از اعلان نتایج انتخابات و پیروزی احمدی نژاد می گویند و می نویسند.

همگان به خوبی می دانند که بعد از جریان 18 تیر نظام در وضعیتی شکست خورده قرار داشت و برای حفظ خود از کلیه نیروهای اصلاح طلب وابسته از جمله خاتمی و هاشمی و حسن روحانی و ناطق نوری و ... استفاده کرد. آنها در یکی دو روز بعد از 18 تیر توان مقابله با مردم را نداشتند و طبق برنامه های طراحی شده نیروهای خود را از شهرستانها فرا خواندند و با برنامه ای دقیق در سکوت اصلاح طلبان دولتی سرکوب مردم را آغاز کردند و بعد از آن حسن روحانی وارد صحنه شد و از خامنه ای حمایت کرد.

حضور مردم در صحنه، به خصوص جوانان در شب های اخیر عرصه را بر رژیم تنگ کرده است. بنا بر اخبار، نیروهای سرکوبگر نظامی و بسیجی را از شهرستانها به تهران فرا خوانده اند تا در شبهای بعد از انتخابات، هرگاه جوانان به خیابانها در آمدند، جوانان را بشدت سرکوب کنند.

نامزدهای دیگر این نگرانی را ابراز می کنند که در انتخابات تقلب شود. موسوی به خامنه ای نامه نوشته است و چون در نامه خود از مداخلات سپاه در انتخابات سخن بیان آورده است، از سوی سپاه تهدید شده است. پیش از آن نیز، سپاه تهدید کرده بود «انقلاب محملی را در نطفه خفه می کند». در مناظره ها، دو طرف، بر این واقعیتها صحه گذاردند:

1 - دوران بازرگان و بنی صدر، آزادی بوده است و فساد و جنایت و خیانت نبوده است.

2 - از آن پس، آزادی نبوده، استبداد بوده و جنایت و ترور و قانون شکنی و فساد و خیانت روش بوده است. احمدی نژاد با یاوری این واقعیت که موسوی بعنوان نخست وزیر به خامنه ای تحمیل شد (این تحمیل را هم خمینی کرد)، خواسته است خامنه ای را از جنایت و فساد و ترور و خیانت و قانون شکنی آن دوره، مبری کند.

3 - دو طرف نتوانستند واقعیت را انکار کنند. کشماکشهاشان بر سر بیشتر و کمتر در این و آن دوره بود.

4 - علاوه بر اعتراف بر استبداد و کارنامه اش، شدت دشمنی در مرکز قدرت بر همگان آشکار شد.

نامه هاشمی رفسنجانی به خامنه ای متضمن اعلان خطر و تهدید، دارد به مردم می گوید احمدی نژاد بدون اجازه خامنه ای، مناظره را فرصت حمله به حامیان میرحسین موسوی، مخصوص هاشمی رفسنجانی، مغتنم نهموده است.

برای افرادی مانند هاشمی و ناطق نوری و خاتمی و دیگرانی که مورد حمله رهبری قرار گرفته اند وضعیت فعلی وضعیت مرگ و زندگی است و اگر در این انتخابات شکست بخورند، آینده خود را بسیار تیره و تار می بینند. هزینه بسیار سنگینی که هاشمی رفسنجانی برعهده گرفته است، گویای نگرانی شدید او از احتمال تجدید ریاست جمهوری احمدی نژاد است.

*** با توجه به وضع موجود، خامنه ای دو راه پیش رو دارد که هر**

دوی آنها منجر به نابودی وی می شود:

1- حذف اندیشه و شعار خمینی که اسلام را مساوی روحانیت می دانست در نتیجه اعلام حمایت از محمود احمدی نژاد در برابر روحانیون بلند پایه ایست که این روزها به شدت مورد حمله قرار گرفته اند. با توجه به این امر که احمدی نژاد از حمایت روحانیانی چون جنتی و خزعلی و محمد یزدی و مصباح یزدی برخوردار است، حامی اصلی احمدی نژاد، در مقابله با جناح هاشمی رفسنجانی و دیگر روحانیون سطح بالارژیم، است. مقابله با این روحانیون اینست که خامنه ای بخش اعظمی از حمایت خود را که شامل برخی مراجع تقلید برخی اساتید حوزه های علمیه و برخی ائمه جمعه و جماعت و برخی روحانیون بلند پایه در قم و مشهد می شود، از دست می دهد. برای مقابله با اینها، او مجبور به انجام عملی سخت و خونبار است تا که آنها را منکوب قدرت خود کند. این در حالی است که می دانیم برخی از این روحانیون در مراکز قدرت دارای نیروهایی هستند و در برابر این تهاجمات دست به مقابله خواهند زد. البته نباید نادیده گرفت که این حملات در زمانی صورت می گیرد که مجلس در تعطیلی به سر می برد. زیرا تا جایی که اطلاعات نشان می دهد بیش از 100 نفر از نمایندگان مجلس در مواقع

2- حالت دوم این است که خامنه ای با اعلام مخالفت با مواضع احمدی نژاد و ممانعت از ادامه تخریب وی به نوعی به هواداران وی نشان دهد که حامی او نیست. اگر می خواست در همان برخورد اول که هاشمی و ناطق نوری و خاتمی مورد حمله قرار گرفته بودند این کار را انجام می داد. او نه تنها این کار را نکرد بلکه وقتی هم هاشمی رفسنجانی به او نامه نوشت و سایت های طرفدار هاشمی رفسنجانی از دیدار سه ساعته و موفقیت آمیز او با خامنه ای نوشتند، به بی اعتنائی بسنده نکرد، با این تکذیب که نه کتبی و نه شفاهی پاسخی به نامه نداده است، سخت توی دهن هاشمی رفسنجانی زد. با وجود این، هرگاه نام میر حسین موسوی از صندوق بیرون آید (پیروزی هاشمی رفسنجانی)، خامنه ای در برابر مافیاهای نظامی - مالی قرار می گیرد.

3 - اگر اسم احمدی نژاد از صندوق رأی بیرون آید، بدان معنی است که خامنه ای، برخوردار از حمایت برخی از مراجع وابسته و برخی از روحانیون جاه طلب و جوان و حمایت از نیروهای نظامی و سیاسیون فرصت طلب که همواره طرف برنده را می گیرند، و رسانه های وابسته، در یک عملیات بزرگ، تیغ جراحی ولایت را بر تن بسیاری از روحانیون همراه خمینی می کشد. در واقع، بدون اینکه لازم به اعمال خشونت باشد، با قطع کردن حمایت های مالی و غیر مالی دولت، به عزلت گزینی ناگزیرشان می کند.

4 - حضور جوانان در خیابانها و شعارها که در شهرهای ایران طنین افکندند و موضعگیری نامزدها و استفاده از رنگ سبز که «انقلاب خمینی» را تداعی می کند، بخش عمده ای از سپاه و بسیج و «حزب الله» را حساس کرده است. اخبار حاکی از آنند که از هفته گذشته نیروهای بسیج و سپاه و ماموران واواک، با لباس شخصی و موتور سوار وارد درگیری های خیابانی شده اند تا که شهرها یکسره در اختیار مخالفان ولایت مطلقه و خامنه ای و دولت «یکدست» او، قرار نگیرند.

5 - بسیاری از نیروهای چاقودار و بسیجی را از برخی از استانهای که در آنها رژیم و طرفدارانش از امنیت بیشتری برخوردار هستند، به تهران آورده اند. تا در صورت لزوم، برای متوقف کردن تحرکات مردم، وارد عمل شوند. درست همان کاری که در خرداد 1360، بقصد انجام کودتا بر ضد بنی صدر، هاشمی و خامنه ای و بهشتی انجام دادند. انجام دادند. در آن زمان این سه تن - که مردم «سه مفسدین» شان می خواندند - حتی نیروهای سپاه را با فرماندهی علی شمخانی و محسن رضایی از جبهه های جنگ به تهران آوردند و در پارک ارم مستقر ساختند. در روزهای کودتا، آنها با لباس شخصی در اطراف مجلس و مراکز مهم حضور یافتند و به سرکوب مردمی پرداختند که به حمایت از منتخب خود به خیابانها در آمده بودند. برخی از همین «اصلاح طلب» ها، آن روزها، فرماندهی نیروهای شخصی پوش عازم تهران را عهده دار بودند. کواکبیان یکی از آنها است. خود او شرح ماجرا کرده است. بهزاد نبوی، «وزیر» مشاور بود و از دستیاران هاشمی رفسنجانی و خامنه ای در کودتا بشمار می رفت و ...

6 - حمله به ستادها و سرکوب نیروهای حامی نامزدهای «اصلاح طلب» معلوم می کند که برخی از افراد سپاه و بسیج که عموماً دارای بیسیم و کارت بسیجی هستند به حمله اقدام می کنند و از آنجا که دارای مصونیت هستند این عمل را بی مهالبا انجام می دهند.

7 - این شایعه به وسعت انتشار یافته است که نیروهای سرکوبگر آماده حمله به خانه های هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری هستند تا در زمان مناسب با حمله به این خانه ها همان بلایی را که بر سر منتظری آوردند بر سر اینها نیز بیاورند.

8 - هواداران خامنه ای با در اختیار داشتن اموال بسیار دست به چاپ و انتشار شب نامه های فراوان در سراسر کشور بر ضد کلیه مقاماتی شده اند که با او مخالف هستند. با استخدام افراد و فرستادن آنها شبانه به درب خانه های مخالفان، از هم اکنون تحت فشار شدید قرارشان می دهند.

9 - صدا و سیمای بیت رهبری با تمام توان در حال تخریب نیروهایی است که به نوعی در تقابل با رهبری قرار گرفته اند. حتی شنیده شده است که قرار بر این است که با آوردن افرادی مانند هاشمی و ناطق نوری و پرسش و پاسخ از آنها افشاگری های خود را ادامه دهند. این در حالی است که صدا و سیمای تحت فشار برخی از مسئولان کشور قرار گرفته است تا شرایط پاسخگویی را برای هاشمی و ناطق به وجود آورند.

10 - مخالفان احمدی نژاد منتشر کرده اند که در جلسه ای با حضور نمایندگان مجلس و هیات وزیران، در آن شب کذایی شام که برخی از نمایندگان حضور نداشتند، احمدی نژاد خواستار تغییر قانون اساسی برای انتخاب بیش از دو دوره رییس جمهوری شده است و گفته است چرا نمایندگان بتوانند چندین دوره نمایندگی شوند ولی رییس جمهور دو دوره؟ باید مانند ونزوئلا شرایطی را به وجود آورد که حکومت رییس جمهور ادامه یابد. بدین ترتیب، طرفین در دشمنی با یکدیگر، تا جایی پیش رفته اند، دیگر نمی توانند یکدیگر را تحمل کنند.

11- نیروهای وابسته به دولت به تازگی از حدیث هایی استفاده می کنند که در آن گفته می شود در زمان ظهور امام زمان کسانی که در مقابل او قرار می گیرند همانا کسانی هستند که شال سبز و عمامه سبز دارند و با ارسال این حدیث به صورت پیام کوتاه موسوی را ضد امام زمان تبلیغ می کنند.

12 - نامه میر حسین موسوی به خامنه ای و کروی به وزیر و اوک و دیگران و خیرها که سایتهای این دو انتشار می دهند حاکی از آنند که نگران استفاده از سپاه و بسیج در انتخابات به سود احمدی نژاد است. هرگاه چنین شود، خامنه ای تنها تر می باید هم با طیف وسیعی در رژیم و هم با مردمی که می دانند به آرای آنها خیانت شده است، مقابله کند. بدیهی عمر رژیم ولایت فقیه را سخت کوتاه می کند.

13 - «انقلاب خمینی» غیر از مشارکت مردم در آن، نیازمند به مقاومت ایستادن نامزدها دارد. اگر تهدید هاشمی رفسنجانی صرف تهدید نباشد و بیانگر قصد واقعی به ایستادن باشد، خامنه ای بازنده اصلی انتخابات می شود. زیرا مقامی می شود که در برابر مردم قرار گرفته و با تقلب، نامزد خود را تحمیل کرده است. بنا بر این مقامی نامشروع است.

14 - بسا خامنه ای خطر این را حس نکند. زیرا قدرت کسی در موقعیت او را کور و کر می کند. مشاوران نادان نیز دارد. اما دیگر مقامات رژیم که می دانند اگر رژیم بخطر افتد موقعیت خود را از دست می دهند، علاوه بر موضعگیری بر ضد تقلب در انتخابات، دست بکار جلوگیری از تقلب ها در انتخابات شده اند. آنها، در این پیامها گفته اند که رهبر و عقلای نظام باید بپذیرند که با رای نیابردن احمدی نژاد امکان ادامه حیات نظام وجود دارد اما با بالا کشیدن وی با تقلب خطر کل نظام را تهدید می کند. اما آیا خامنه ای به این هشدار توجه می کند؟

15 - شنیده ها حاکی از آنند که کمیته صیانت از آراء، فشار خود را برای ممانعت از تقلب توسط وزارت کشور و شورای نگهبان آغاز کرده است. در این ارتباط، هماهنگی هایی با بسیاری از روحانیون و سرداران با سابقه سپاه و مسئولان سیاسی سابق بعمل آورده است. این خطر را به آنها گوشزد کرده است که اگر نیروهای نظامی و شورای نگهبان دست به این عمل بزنند امکان دارد که کشور را به سمت جنگ داخلی ببرند و این خطر کل نظام را تهدید می کند. زیرا مردم با توجه به عملکرد رییس جمهور خواستار برکناری وی هستند و با امید این تغییر و حذف وی و حامیان وی وارد انتخابات می شوند.

16 - خطر و اعلام خطر های مکرر از سوی بزرگان و مسئولان نظام دهان به دهان پخش شده و همین امر موجب شده است کسانی که می خواهند در انتخابات شرکت کنند به این بیندیشند که اگر رای آنها تغییر کند چه باید بکنند.

نامه هاشمی رفسنجانی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. زیرا شخص خامنه ای را به مردم ایران و مردم جهان، حامی احمدی نژاد شناسانده است. بنا بر این، اگر احمدی نژاد را برنده انتخابات اعلام کنند، خامنه ایست که فاقد هرگونه مشروعیت و اعتبار در داخل و خارج از کشور می شود. و هرگاه موسوی برنده اعلان شود، بازنده اصلی انتخابات خامنه ای می شود. اگر خامنه ای روش دیگری در پیش گرفته بود، بطوری که مراجعه به او، اهم از سوی کسانی چون هاشمی رفسنجانی و میر حسین موسوی، محل پیدا نمی کرد، سود بالارفتن میزان مشارکت به او نیز می رسید. اما نتیجه انتخابات هرچه شود، بازنده او است. عصیانیت شدید طرفداران خامنه ای از هاشمی از این رو است که او با نوشتن نامه سرگشاده، خامنه ای را بازنده اصلی انتخابات بدل کرده است.

انقلاب اسلامی: گزارش فیگارو در باره قرار و مدار هاشمی رفسنجانی با خامنه ای و نامه هاشمی رفسنجانی به خامنه ای - سندی گویا و ماندگار - وضعیت را بازهم روشن تر می کند:

کارگردان انتخاباتی که هاشمی رفسنجانی است خامنه ای را کیش و مات کرده است؟

گزارش فیگارو از قرار و مدار هاشمی رفسنجانی با خامنه ای: در ازای انصراف خاتمی از نامزد شدن، خامنه ای از حمایت از احمدی نژاد دست بر می دارد:

◀ فیگارو (9 ژوئن 2009) از تهران گزارش می کند که ائتلاف حامی میر حسین موسوی را رئیس جمهوری اسبق، هاشمی رفسنجانی کارگردانی می کند. او کوششهای خود را دو چندان کرده است تا از تجدید انتخاب احمدی نژاد جلوگیری کند.

در قفای اعلانی رنگارنگ که دیوارهای تهران را پر کرده اند، یک بازی پوکر دارد انجام می گیرد. هدف از این قمار: جلوگیری بهر قیمت از انتخاب احمدی نژاد است. او را متهم می کنند پول نفت را بهدر داده و از رهگذر مجران اتمی، کشور را در جهان به انزوا در آورده است.

برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی، یک ائتلاف وسیع در بر گیرنده شخصیت های سیاسی برضد یک شخص بوجود آمده است. جواد اطاعت، استاد علوم سیاسی می

* هاشمی رفسنجانی کارگردان ائتلاف ضد احمدی نژاد:

مغز متفکر و کارگردان این ائتلاف، هاشمی رفسنجانی است. او که در انتخابات 2005 (1388) شکست خورد، امروز تمام توان خود را بکار می برد تا انتقام آن شکست را بگیرد. این آیت الله 74 ساله ثروتمند از گاردهای قدیمی رژیم است و ارزشی برای احمدی نژاد قائل نیست و او را موجودی خطرناک می داند.

برخوردار از اهرمهای قوی، جبهه ضد احمدی نژاد، با ظرافت تمام، سازمان داده شد. در این جبهه، صاحب نفوذان دیگری چون علی لاریجانی، رئیس مجلس که مانع از تصویب لایحه احمدی نژاد برای امداد اجتماعی شد. محمد باقر قالی باف، شهردار تهران، نیز در این جبهه است. شگفت آمیز تر این که صدا و سیما که تحت اداره رهبر رژیم است، مناظره هائی را ترتیب داد که فرصت گذاشتن در اختیار سه نامزد دیگر بود.

در این مناظره ها، سه نامزد به احمدی نژاد حمله کردند. روحانیان بلند پایه قم و مجلس بزرگی از مقامات رژیم با احمدی نژاد مخالفت کردند و او را کسی می دانند که نظام را بخطر می اندازد.

این جبهه بی سابقه، از امروز به فردا، ایجاد نشده است. چندین تن از اطرافی های هاشمی رفسنجانی دو میلیون دلار صرف خرید یک سیستم کامپیوتری سخت پیشرفته ضد تقلب کرده اند. از این سیستم در جلوگیری از تقلب در روز رأی گیری استفاده خواهند کرد.

بنا بر قول نزدیکان هاشمی رفسنجانی هدف جبهه این بوده است که رهبر نظام جمهوری اسلامی نتواند دخالت کند. «معامله ای»، سه ماه پیش، میان هاشمی رفسنجانی و خامنه ای انجام گرفته است. رفسنجانی متعهد شده است خاتمی را از نامزد شدن منصرف کند بشرط این که خامنه ای نیز از احمدی نژاد حمایت نکند. یکی از نزدیکان هاشمی رفسنجانی می گوید: «این یک بازی شطرنج است. طرف ما در این بازی، خامنه ای است. احمدی نژاد یک مهره بیش نیست.»

انقلاب اسلامی: بدین قرار، هاشمی رفسنجانی جبهه ای تشکیل داده است و طرف او، خامنه ایست. پس نامه سرگشاده او به خامنه ای، اقدامی آگاهانه ایست: خامنه ای حامی احمدی نژاد است. بنا بر این، اگر هاشمی رفسنجانی را از صندوق بیرون آورند، این خامنه ایست که تقلب کرده و آرای مردم را دزدیده است. و اگر موسوی رئیس جمهوری شود، شکست اصلی را خامنه ای خورده و هاشمی رفسنجانی او را کیش و مات کرده است.

بدین قرار، نامه هاشمی رفسنجانی به خامنه ای یک سند تاریخی و اعلان آغاز یک تحول است:

بسم الله الرحمن الرحيم

مقام معظم رهبري آيتالله خامنه‌اي زیده عزّه
متأسفانه اظهارات عاري از حقيقت و غيرمسئولانه آقاي احمدی‌نژاد در جريان مناظره با مهندس موسوي و مقدمه‌چيني‌هاي قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهك‌هاي ضدانقلاب در سالهاي اول بعد از پيروزي انقلاب و نیز تهمت‌زدن‌ها در انتخابات 84 و انتخابات مجلس ششم و لجن‌پراکني‌هاي باند پاليزدار که در دادگاه محکوم شده را به نمایش گذاشت و از آنجا که بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه‌هاي دولتي و آتش تهييه آن در سخنانی مشهد مقدس مطرح شده، ادعای اینکه مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه‌ريزي قبلي است، پذيرفتني نیست و گویا براي تحت‌الشعاع قرار دادن گزارشهاي مستند و مکرر ديوان محاسبات در خصوص مفقودالاثربودن يك ميليارد دلار و ارتكاب چند هزار تخلف در اجرائي بودجه‌ها مي‌باشد و شايد هم رقيب اصلي خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامي مي‌داند.

دهها ميليون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ‌پردازيها و خلافگويي‌هاي بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامي‌مان را نشانه گرفته بود. زير سؤال بردن تصميمات بنيانگذار جمهوري اسلامي ايران و تلاشهاي امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانيت عظيم‌القدر که در نيم قرن گذشته با مجاهدت‌هاي خويش توانستند بناي باشکوه نظام اسلامي را ايجاد و مستقر و بالنده کنند، از اين بدتر نمي‌شد. دوران مشعشعي که خود شما پشت سر امام(ره) در قامت مجاهد پيشتاز، رئيس‌جمهور و نهايتاً رهبري نظام نقش و مسئوليت‌هاي ممتازي بعهده داشته‌ايد..

نقطه قابل توجه در این تهمتها این است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جنابعالی که هادی دولتها بوده‌اید و با اظهارات صریح، مدیریت‌ها را مورد تأیید و تحسین قرار داده‌اید، نشانه گرفته است.

بعد از جریان شوم 14 اسفندماه 1359 با ارشاد امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جنابعالی و اینجانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و مخصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سمپاشی‌ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل درد آشنا با تشکیل گروه حقیقتیاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه‌گران و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده بودند. البته اینجانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی‌صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد.

اینجانب برای پرهیز از آلوده شدن فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس‌العمل فوری که مورد انتظار ملت است، خودداری کردم.

در مراسم بزرگداشت سالگرد امام (ره) به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گویی‌های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبا و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیرسؤال بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام‌های نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته‌اند، نباشد.

از صدا و سیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرفهای ذی‌حق براساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ داده شده و رئیس قوه قضاییه وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری اینجانب، در عمل به اصل 142 قانون اساسی رسماً اعلام پاکي و منزّه بودن خانواده رئیس‌جمهور و حتی کم‌شدن داری‌ها در دوران مسئولیت را نمودند، ولی تکرار اتهام تکرار جواب را می‌طلبد.

مع‌الاسف، این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته نشده و رهبر معظم هم صلاح را در سکوت‌شان دیدند و بی‌شک جامعه و خصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است. حقیقتی که با اعتبار نظام و همدلی ملت ارتباط جدی دارد و اگر محدود به حق چند نفر بود؛ اقدام به نوشتن چنین نامه ای نمی‌کردم.

معتقدم جنابعالی مجوبی می‌دانید که اینجانب و بسیاری از بزرگان تأثیرگذار انقلاب و حتی خود جنابعالی از دوران مبارزه و سالهای اول انقلاب و در تعدادی از مقاطع مورد تهاجم افراد لابی و ضدانقلاب بوده‌ایم و همیشه صبورانه تهمتها و اهانت‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم و در دور جدید تهمتها و همه‌ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون دندان روی جگر دارم و بخاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می‌دارم و از این جهت هم مورد گلایه بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم و مهم این است که اینبار این تهمت‌ها توسط رئیس‌جمهور و در رسانه ملی مطرح شده است. البته در موقع مناسب انحرافات و حق‌کشی‌های ناگفته انتخابات و اعمال دولت هم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت.

تاریخ گواه است که اکثریت مردم متعهد و انقلابی‌مان کمتر تحت تأثیر خلاف‌گویی‌ها قرار می‌گیرند و دلیل آن آراء افتخارآمیز مردم به اینجانب در آخرین انتخابات مجلس خیرگان رهبری است و نیز خوب می‌دانید که در جریان انتخابات جاری، تاکنون به خاطر مسئولیت‌های رسمی ام در رسانه‌ها مطلبی به نفع یا ضرر افراد و جریان‌های درگیر در انتخابات نگفته‌ام و در موارد ضروری به کلیاتی مبتنی بر حضور حداکثری مردم در پای صندوقها و سلامت انتخابات اکتفا کرده‌ام و رسماً گفته‌ام برنامه شرکت در انتخابات ندارم.

چهار نامزد موجود برای آمدن به صحنه با اطلاع از نظر و سیاست اینجانب از من نظر نخواسته‌اند و بعد از نامزدی هم از اینجانب درخواست حمایت نکرده‌اند و اگر هم در جلساتی بهم رسیده باشیم، چیزی جز همان کلیات فوق‌الذکر را از من نشنیده‌اند و اگر حزب یا گروهی در مورد جهت‌گیری در انتخابات نظر خواسته‌اند، گفته‌ام براساس آیین‌نامه خود عمل کنند و حقیقتاً آنها با تصمیم‌خودشان و همکاری‌شان در صحنه‌اند و عمل می‌کنند و انصافاً تهمت دست‌نشانده بودن آنان ستم و بی‌حرمتی غیرقابل توجیه است. مجاست که به این حقیقت هم توجه شود که احتمالاً عوامل دولت از نظر اینجانب مطلعند که من ادامه وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی‌دانم و خود جنابعالی هم از این نظر من مطلعید و دلایل آن را هم می‌دانید. ولی این نظر را رسانه‌ای نکرده‌ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگ‌نمایی کرده‌اند که هدف بزرگ‌نمایی در آن مناظره روشن شد.

با اینهمه بر فرض اینکه اینجانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی‌شک بخشی از مردم و احزاب و جریان‌ها این وضع را بیش از این بر نمی‌تابند و آتش‌فشانهایی که از درون سینه‌های سوزان تغذیه می‌شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه‌های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میداها، خیابانها و دانشگاهها مشاهده می‌کنیم.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل قهت‌ها ؛ دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف‌های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق‌شکن علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

رهبری معظم انقلاب؛

اکنون که امام راحل (ره) آن پیر فرزانه و حلال مشکلات و ملجاء همه و یار صبور و دیرینه هر دوی ما آیت‌الله شهید مظلوم دکتر بهشتی و بسیاری از همسران قدیم که یا به فیض عظمای شهادت رسیدند و یا به دیار باقی شتافتند ؛ در بین ما حضور ندارند، شما مانده‌اید و من و معدودی از یاران و همفکران قدیم. از جناب‌عالی با توجه به مقام و مسئولیت و شخصیت‌تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هرگونه که صلاح می‌دانید اقدام مؤثری بنمایید و مانع شعله‌ورتر شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید.

لذا در فرصت باقی‌مانده ضروری به نظر می‌رسد خواسته حق حضرت‌عالی و مردم در خصوص انجام انتخاباتی سالم و پرابهت و حداکثری تحقق یابد. کاری که می‌تواند عامل نجات کشور از خطر و باعث حکیم وحدت ملی و اعتماد عمومی باشد و فتنه‌گران نتوانند با حدس و گمان نص پیامتان در مشهد و در مرقد امام راحل را با هوس خود تحریف کنند و با نادیده گرفتن قانون، بنزین بر آتش‌افروخته بریزند.

سرچشمه شاید گرفتن به بیل چوپر شد شاید گرفتن به بیل

دوست، همراه، و هم سنگر دیروز، امروز و فردایتان

اکبر هاشمی رفسنجانی

انقلاب اسلامی: این سند تاریخی است زیرا

- 1 - خاصم در رأس هرم قدرت را گزارش می‌کند.
 - 2 - خامنه ای قصد دارد بزور احمدی نژاد را یکبار دیگر رئیس جمهوری کند. نتیجه نیز معلوم کرد که ، پیشاپیش، بر او معلوم بوده است که احمدی نژاد رئیس جمهوری منتصب خامنه ای است.
 - 3 - او از کودتای بر ضد بنی صدر و نمونه 14 اسفند یاد کرده است. در 14 اسفند، سال روز درگذشت دکتر مصدق، ولایت جمهور مردم با ولایت فقیه رویارو شدند. جانبداران ولایت فقیه چهارداران و افراد سپاه و کمیته ها بودند. مردم بر آنها غلبه کردند.
 - 4 - در تمام دوران ریاست جمهوری، بنی صدر به استقامت ایستاد. از کودتای خرداد 60 بدین سو، نیز همچنان به استقامت ایستاده است. حاصل سه دهه استقامت اینست که امروز، مردم می دانند می باید ولایت مطلقه فقیه را بردارند و حاکمیت را از آن خود کنند. هاشمی رفسنجانی خامنه ای را از این واقعیت می ترساند.
 - 5 - او به جبهه ای که خود گرداننده آنست نیز اشاره می کند و خامنه ای را به سر برداشتن این جبهه به مخالفت با او، تهدید می کند.
 - 6 - 22 خرداد 60، روز ورود کودتای خزنده به واپسین مرحله خود بود. روزی بود که بنی صدر به مردم ایران هشدار داد. هرآنچه در آن هشدارنامه پیش بینی شده بود، روی داد و این شد روز گار ایران. گزینش این روز، برای انجام انتخابات رسوا گویائی بسیار داشت: خامنه ای و مافیاهای نظامی - مالی قصد دارند بر ضد مردم و حق حاکمیت آنها کودتا کنند. و رای سازی نشان داد که از ماهها پیش کودتا تدارک شده بود.
- تقلب بزرگ در انتخابات می گوید که خامنه ای و مافیاهای نظامی - مالی به تهدید او وقعی ننهاند و با ببار آوردن رسوائی بس بزرگ، احمدی نژاد را رئیس جمهوری کردند.
- سخنان احمدی نژاد، در 23 خرداد، مسلم کرد که بنا بر آشتی نیست و بنا بر دشمنی است. او هاشمی رفسنجانی مورد تهدید سخت قرار داد:

احمدی نژاد خطاب هاشمی رفسنجانی: دست شما را از امور قطع می کنم:

امروز درجه امید به پیگیری آرمانها و ارزشهای ملت ایران و انقلاب جهانی ملت ایران و امید به حل مشکلات و رفع موانع از برابر ملت ایران در بالاترین حد ممکن در دل جان ملت ما جاری است. مسئولیت همه ما عمل به این دو امر یعنی پیگیری آرمانها و ارزشهای ملت ایران و رفع موانع و مشکلات از برابر ملت است.
خیلی روشن است که رای مردم رای به برنامه‌هاست. مردم عهد اخوت با کسی ندارند. مردم به دنبال اجرای برنامه‌ها هستند و همه باید از رای مردم تبعیت

بکنند این لازم است؛ چراکه مردم ولی نعمت ما هستند. خواسته‌های خود را متحداً و در یک حرکت ملی بیان کردند. آرای مردم تجمیع شد و خواسته عمومی ملت مشخص شد.

همه باید به دنبال تامین نظر مردم باشیم و نظر مردم هم روشن است در شعارهای مردم در شعارهای بنده در حرف مردم در هر نقطه ایران که برویم خواسته‌ها روشن است.

خدمت به مردم اولین خواسته‌ای است که مردم می‌خواهند که آن‌ها می‌خواهند که مشکلات مردم برطرف شود مشکلات عمرانی، زیربنایی، مشکل گرانی که به بخشی از مردم فشار سنگینی را وارد کرده است، مشکل اشتغال، مشکل مسکن، به خصوص برای جوان‌های عزیز، این‌ها دغدغه‌های مردم ماست مردم می‌خواهند که همه توان و همت ما و همه امکانات کشور برای خدمت و رفع مشکلات بسیج شود.

دومن خواسته عدالت است، مردم می‌خواهند تبعیض نباشد و می‌خواهند دست متجاوزین قطع شود مردم می‌خواهند اموال عمومی متعلق به عمومی باشد و از آن صیانت بشود از حقوق ملت صیانت بشود از اختیاراتی که ملت در اختیار دارد صیانت بشود از عزت ملت صیانت بشود. کسی دست‌اندازی، زیاده‌خواهی و ویژه خواری نکند. دنبال امتیازهای ویژه برای خودش و برای بستگانش نباشد مردم می‌خواهند عدالت وجود داشته باشد.

خواسته دیگر مردم، پیشرفت و تعالی همه‌جانبه کشور است. مردم می‌خواهند کشورشان در علم در صنعت، در زندگی شخصی در فناوری‌ها در همه امور پیشرفته باشد و این شایستگی ملت ایران است. ملت می‌خواهد، نام ایران عزیز باشد و در تراز شایسته جهان باشد، این خواسته ملت ایران است. ملت می‌خواهند موانع پیشرفت و اجرای عدالت به آن‌ها معرفی بشود. این حق مردم است و من و امثال بنده نمی‌توانیم از خواسته‌های ملت کوتاه باییم و باید موانع را به مردم معرفی کنیم و بنده کوتاه نخواهم آمد.

امروز باید ایران را بسازیم و همت کنیم و این خواسته‌های ملت فقط با مشارکت همگانی و عزم ملی امکان‌پذیر است. اصلاحات اقتصادی و اصلاحات ساختاری فقط با مشارکت عمومی مسیر است. من برای ساختن ایران از همه دعوت می‌کنم. همه باید دست به دست هم بدهیم، ایران عزیز را بسازیم. ایران متعلق به همه است. امروز مسوولیت قوه مجریه بر عهده بنده است، اما باید دست به دست هم بدهیم همه محترمند.

من به فعالیت‌های حزبی احترام می‌گذارم اما دولت متعلق به همه مردم است و باید پاسخگوی مردم باشد و تأمین خواسته‌های متن مردم باشد. بنده اصولگرایی که به دنبال اصلاحات اساسی در کشور نباشد را قبول ندارم. و اصلاح‌طلبی که به اصول ملت ایران پایبند نباشد آن را هم قبول ندارم. اسم‌ها مهم نیست مهم این است که به ارزش‌ها، آرمان‌ها، خواسته‌های ملت پایبند باشیم دنبال اصلاح و خدمت باشیم دنبال پاسخگویی به ملت عزیز ایران باشیم.

دولت به هیچ گروه و دسته‌ای و هیچ کسی بدهکار نیست، بلکه ملت ولی نعمت است و دولت به ملت مدیون است و همه دولت متعلق به ملت است بنده در انتخاب همکارانم باید منافع ملت را در نظر بگیرم نه منافع اشخاص، گروه و دستجات. من قول می‌دهم که توصیه هیچ کسی را در انتخاب همکارانم در نظر نگیرم و تنها معیار، صلاح و ویژگی‌های برجسته باشد.

بنده با احدی تعارف ندارم و این یک میثاق بین ملت و خادم خودشان است. بعضی‌ها به خاطر سوابقشان و بعضی سوابقی که در انقلاب دارند خودشان را مجاز به هر کاری می‌دانند و این اضافه‌خواهی است.

بنده در سخنرانی‌ها به یک حادثه تاریخی و به ماجرای جناب طلحه و زبیر اشاره کردم آن‌ها در کنار رسول خدا بودند مجاهدت‌ها کردند، خدمات کردند، نشان افتخار گرفتند، جایگاه آن‌ها در آن زمان محفوظ بود، اما این‌ها انسان را تا آخر عمر حفظ نمی‌کند.

بعضی‌ها به من گفتند ذکر نام‌ها شایسته توهین دارد، بنده قاطعانه رد می‌کنم. بنده قصد توهین نیست مقدم یک حادثه تاریخی و عبرت‌آموزی است. برای همه ما عبرت است، همه باید از تاریخ عبرت بگیریم. هرکس با هر سابقه‌ای از مرز عدالت خارج بشود در نقطه مقابل عدالت قرار می‌گیرد. اصل عدالت است و عدالت اصل است، وقتی خارج شد، دیگر اعتباری ندارد، عده‌ای می‌گویند ما با امام بودیم. با امام بودن کافی نیست، عمل امروز مهم است. ملت همه با امام بودند باید امروز را ببینیم.

انقلاب اسلامی: قلب بزرگ که «اصلاح طلبان» آن را «کودتای سفید» خوانده اند، اینطور انجام گرفته است:

«کودتای سفید» از راه قلب بزرگ در انتخابات:

* هشدار کمیته صیانت از آراء به شورای نگهبان بعد از فاش شدن فتوای مصباح یزدی در باره جواز تقلب بسود احمدی نژاد در 17 خرداد 88:

همزمان با افشای "فتوای شرعی" مصباح یزدی در مورد تقلب در انتخابات در نامه سرگشاده جمعی از کارکنان وزارت کشور، روسای کمیته صیانت آرا میرحسین موسوی و مهدی کروبی دو کاندیدای اصلاح طلب انتخابات ریاست جمهوری در روز یکشنبه طی نامه‌ای به آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان نسبت به دستکاری انتخابات ابراز نگرانی کردند.

در بخشی از این نامه اعلام شده که تعرفه‌های مرحله اول 59 میلیون و 600 هزار تعرفه است اما وزارت کشور تعداد تعرفه‌های چاپ شده را 56 میلیون اعلام کرده، و وجود 2600000 تعرفه چاپ شده اما اعلام نشده از سوی وزارت کشور جای اہمام دارد.

علی اکبر محتشمی پور و مرتضی الویری روسای کمیته صیانت از آراء موسوی و کروبی در نامه خود همچنین به تعداد مهرهای انتخابات ارسال شده به استان‌ها اشاره کرده و خطاب دبیر شورای نگهبان نوشتند: "تعداد مهرها، همانطوری که می‌دانید دو برابر تعداد شعب به علاوه 10 درصد مازاد می‌باشد که بدون هیچگونه دستورالعملی ارسال شده است و این کار فوق‌العاده خطرناک و نگران کننده است."

اگر قرار باشد تخلف سازماندهی شده‌ای انجام بگیرد، این کار نه در شعبه و نه در سایت و نه در هنگام شمارش و اخذ رای بلکه در استفاده از تعرفه‌های اضافی و مهرهای اضافی و با استفاده از صندوق‌های اضافی و سیار شدنی است، به خصوص که خبر می‌رسد که شناسنامه‌های سربازان در مراکز نظامی و... جمع آوری شده است."

* رژیم نمی خواست مردم رأی بدهند تا دستش برای تقلب بزرگ باز باشد:

◀ خبرگزاری فارس می گوید:

• انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در 22 خرداد در 368 شهر و 558 بخش برگزار می‌شود که در این دوره 46 میلیون و 200 هزار نفر در سراسر ایران اسلامی واجد شرایط رای بشمار می‌روند.

• تعداد صندوق‌های اخذ رای در این دوره 45 هزار و 713 صندوق در نظر گرفته شده است که حدود 30 درصد از آن معادل 14 هزار و 258 صندوق سیار بشمار می‌رود. (نسبت صندوق‌های سیار به ثابت در این دوره حدود 3 درصد کاهش نشان می‌دهد).

• اخذ رای در روز 22 خرداد از ساعت 8 صبح آغاز می‌شود و به مدت 10 ساعت ادامه می‌یابد و پس از آن با تصمیم وزیر کشور مدت زمان اخذ رای تا دو مرحله قابل تمدید است.

◀ وزارت کشور رژیم، دو نوبت ارقامی را بدست داد که مسلم می‌کنند مجموع آراء نمی‌توانند از 26/5 میلیون بیشتر باشند:

• بعد از ظهر 22 خرداد، ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام کرد که در سه ساعت اول، 5 میلیون نفر رأی اخذ شده اند. هرگاه فرض شود بدون انقطاع، رأی دهندگان رأی داده‌اند، در مجموع، حدود 22 تن رأی داده‌اند. بنا بر قول این ستاد، در هر 1 دقیقه و 36 ثانیه، یک رأی اخذ شده است.

• پس از قرائت 5 میلیون از آراء، ستاد وزارت کشور اعلان کرد حدود 20 درصد صندوقها قرائت شده اند. بنا بر این، آرای 100 درصد صندوقها، برابر می‌شود با 25 میلیون نفر. بی بی سی که روزها بسود میر حسین موسوی تبلیغ کرده و از برانگیختن رأی دهندگان به دادن رأی بود، چند نوبت، اظهار تعجب می‌کرد از چه رو، کل آراء دارد سر به 40 میلیون می‌زند!

◀ بر فرض که مدت رأی گیری به جای 10 ساعت، 13 ساعت باشد (زمان اخذ رأی در تهران 14 ساعت و در شهرهای بزرگ 13 ساعت و در شهرهای کوچک و بخشها همان 10 ساعت بوده است) و بر فرض که در حوزه های ثابت، شامل 31455 صندوق رأی، در هر دقیقه یک رأی به صندوق ریخته شده باشد، حدود 24534900 حد اکثر رأی ایست که می‌توانسته است اخذ شده باشد. هرگاه صندوقهای سیار، هر 5 دقیقه یک رأی اخذ کرده باشند، حدود 2224248 رأی اخذ کرده اند. جمع این دو رقم، 26759148 رأی می‌شود.

بدیهی است تعداد آرای مأخوذه نمی‌توانسته است این اندازه باشد. زیرا «اصلاح طلبان» پی در پی اعتراض می‌کردند که در برخی از شهرها، به این عنوان که تعرفه‌ها تمام شده‌اند، حوزه‌ها اخذ رأی نمی‌کرده‌اند.

• هرگاه جمعیت دارای حق رأی را حدود 52 میلیون (آمار عمومی) بدانیم، آراء باطله به کنار، حدود 50 درصد مردم ایران رأی داده‌اند.

• و هرگاه دارندگان حق رأی را 46/2 میلیون نفر بدانیم، حدود 57 درصد دارندگان حق رأی، رأی داده‌اند.

بدین قرار، هرگاه رژیم می‌خواست شمار بیشتری از مردم رأی بدهند، می‌باید بر تعداد صندوقها و حوزه‌ها می‌افزود. با این تعداد صندوق، اگر هم مردم بیشتری می‌خواستند، نمی‌توانستند رأی بدهند. بدین سان، تقلب بزرگ از راه افزودن بر تعداد شرکت کنندگان در دادن رأی انجام گرفته است. فرصت این تقلب را هم «اصلاح طلبان» و فرستنده هائی نظیر بی بی سی و صدای آمریکا را با اغراق در باره رأی دهندگان فراهم کردند. نتیجه این شد که رژیم فرصت یافت تقلب بزرگ را

انجام دهد: رژیم مدعی است 39165191 رأی به صندوقها ریخته شده اند. بنا بر این، دستش برای ریختن 12406043 رأی به صندوقها، بسود احمدی نژاد باز بوده است. برابر اطلاع، ثقلب دیگری نیز انجام داده اند و آن این که در کد گذاری، حبله ای بکار برده اند که رأی دهنده به میر حسین موسوی، بر کد متعلق به احمدی نژاد، علامت می گذارده است.

مجموع این ثقلب ها سبب شده است که آرای احمدی نژاد از حدود 7 میلیون به 24 میلیون افزایش یابد. نسبت آرای واقعی احمدی نژاد به کل آرای مأخوذه، 1 به 3/7 می شود. این نسبت با قول زهرا رهنورد، همسر میر حسین موسوی، سازگار است. الا این که او، در مصاحبه با بی بی سی، نسبت آرای احمدی نژاد به آرای میر حسین موسوی را 1 به 4 گفته است.

• بنا بر ارقامی که طرفداران میر حسین موسوی و کربوبی انتشار می دهند، یکی از دو احتمال قطعی می شد اگر ثقلب بزرگ انجام نمی گرفت:

1 - میرحسین موسوی با بدست آوردن بیشتر از 15 میلیون آراء به ریاست جمهوری می رسید.

2 - هرگاه آرای کربوبی بیشتر از یا کمتر از آرای احمدی نژاد و آرای میر حسین موسوی کمتر از نصف کل آراء می شدند، انتخابات بدور دوم می افتاد.

• ثقلب سوم از طریق انتقال آرای نامزدها از فرم 22 به فرم 28 انجام گرفته است. چگونگی این ثقلب را خوانندگان در شماره 725 خوانده اند.

اما آرای کربوبی را کمتر از آرای باطله به حساب گذاشته اند. زیرا قصد حذف او را، یکبار برای همیشه، از صحنه انتخابات ریاست جمهوری و بسا عرصه سیاسی داشته اند. در واقع، حذف شونندگان آندسته از «روحانیان» هستند که بطور نسبی برای خود استقلال رأی قائلند. حامیان احمدی نژاد و «رهبر»، روحانیانی هستند که حاضرند در ازای مزایایی که رژیم برایشان قائل می شود، نقش تبلیغاتی رژیم را بازی کنند.

*** ثقلب بزرگ سه ماه پیش طراحی شده است:**

• یک مقام ستاد انتخاباتی میر حسین موسوی، مأموریت می باید نامه او را در باره ثقلبات فاحش به «بیت رهبری» برساند. در بیت، «سردار» وحید طرف گفتگوی او می شود. نامه را می گیرد و به او می گوید: انتخابات انجام گرفته و احمدی نژاد به ریاست جمهوری انتخاب شده است.

• ماه ها پیش، وقتی خامنه ای خطاب به احمدی نژاد گفت شما با این فرض کار کنید که یک دوره دیگر هم بکار خود ادامه خواهید داد. از آن پس، طرح ثقلب بزرگ تهیه و آماده اجرا می شود. مصباح یزدی نیز مجوز «شرعی» ثقلب در انتخابات را صادر می کند. سه ماه پیش از انتخابات، میزان آرای احمدی نژاد معین می شود. قرار می شود اما بیشتر از خانی (22 میلیون رأی) رأی بیاورد. در آن زمان، سردار حمید «پیش بینی» کرده بود، احمدی نژاد با 23 میلیون رأی رئیس جمهوری شود و میرحسین موسوی نیز 10 میلیون رأی بیاورد. این ماجرا را عضو ستاد تبلیغاتی میر حسین موسوی بازگو کرده است.

بطوری که مشاهده می شود، طرح ثقلب بزرگ بر اساس حدود 36 میلیون رأی تهیه شده بوده است.

• سه روز پیش از انتخابات، ابطحی گفته است: رئیس جمهو معین شده است روز جمعه، اسم او را از صندوق بیرون می آورند.

• در خانه خاتمی، روزی پیش از انتخابات رسوا، چند تنی شرکت داشته اند. صحبت از ثقلبات گسترده بوده است. گفتگو کنندگان به این نتیجه می رسند که بیرون آوردن اسم احمدی نژاد از صندوق رأی، رژیم ولایت فقیه را بطور مستقیم در برابر مردم قرار می دهد و ملت را به این نتیجه می رساند که راه حل یکی و آن پایان دادن به عمر رژیم ولایت مطلقه فقیه است.

*** محاسبه میزان مشارکت مردم در انتخابات و بزرگی ثقلب:**

• این محاسبه از ایران دریافت شده است. محاسبه کنندگان از نزدیک جریان رأی گیری را بررسی کرده اند:

• برای آنکه ضریب صحت محاسبه بالا باشد، از 2 روش محاسبه استفاده شده و نتایج با یکدیگر مقایسه شده اند:

1 - محاسبه بر اساس ظرفیت هر صندوق: برابر تجربه، ظرفیت متوسط هر صندوق تقریباً 1000 رأی است. بنا بر این، آرای دو صندوقهای ثابت و سیار را بر اساس ظرفیت، تفکیک و محاسبه می کنیم:

• تعداد صندوقهای ثابت 31455 است. بر اساس هر صندوق هزار رأی، کل آراء 31455000 می شود.

• تعداد صندوقهای سیار 14258 است. اما با توجه به این که این صندوقها می باید جا به جا شوند، فرض می کنیم 20 درصد صندوقها پر شوند. بنا بر این، در این صندوقها 2851600 رأی می شود.

جمع این دو رقم، 34306600 رأی می شود.

بدیهی است، فرض اینست که صندوقهای ثابت پر شده باشند. امری که با توجه به زمان اخذ رأی محال است. زیرا بر فرض که در هر دقیقه یک رأی داد شده باشد، در هر ساعت، 60 رأی داده شده و جمع آرای صندوقهای ثابت، 24/5 میلیون رأی می شود.

2 - محاسبه دقیق تر، براساس مکانیسم رأی گیری و زمان رأی گیری است:

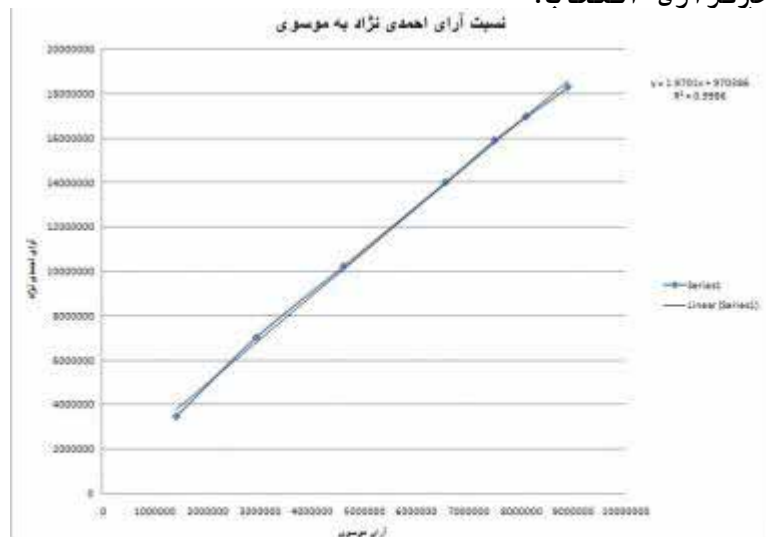
- ظرف 13 ساعت رأی گیری (در تهران 14 ساعت بود و در شهرهای کوچک و روستاها کمتر از 13 ساعت) هر صندوق حداکثر می توانسته است 24522000 رأی می شود.
- صندوقهای سیار نیز می توانسته اند 1621152 رأی اخذ کرده باشند.

جمع دو رقم 26143153 رأی می شود. حتی اگر فرض کنیم در محلهائی که تعرفه تمام شده بودند، از صندوقهای سیار استفاده شده و از این بابت، 2/5 میلیون رأی بر آراء اضافه کنیم، جمع کل آراء 28/6 میلیون می شود. بنا بر این، 10/4 میلیون رأی، به نفع احمدی نژاد، به صندوقها ریخته شده است.

◀ شورای نگهبان، در پایان رأی گیری، میزان مشارکت را 70 درصد اعلام کرد. 70 درصد مشارکت، 32/3 میلیون رأی می شود. بنا بر این قول نیز، حدود 7 میلیون رأی تقلبی به آرای داده شده، افزوده شده اند.

نمودار تقلب بزرگ در انتخابات + تصویر

۲۴ خرداد ماه ۱۳۸۸ ساعت : ۴۲ ، ۱۳
 خیرگزاری انتخاب:



این نمودار نشان می دهد که نسبت آرای احمدی نژاد به مهندس موسوی از یک نسبت خطی تبعیبت می کند.

به گزارش خبرنگار سرویس علمی خیرگزاری انتخاب، در یک نمودار کاملاً خطی $R^2=1$ است.

این فرمول و نسبت بدین معناست که نموداری کاملاً خطی است یا خیر. نمودار فوق نشان می دهد به طرز کودکانه ای در طول شمارش آرا بدون توجه به جغرافیای منطقه ای، بدون هیچ گونه توجهی به شهرهای کوچک یا بزرگ، همیشه نسبت فوق بین این دو نامزد حفظ شده که نشان دهنده ی تقلبی کودکانه است.

در این نمودار، $r^2=0.9985$ است، یعنی اینکه با تقریب فوق العاده ای نتیجه خطی است که دانشجویان در آزمایشگاه و بحث های آماری از $r^2=0.95$ به بالا را خطی دانسته و این یکی، $r^2=0.9985$ کاملاً خطی و تقریباً 1 است.

چنین نموداری تنها نشان دهنده کار از پیش طراحی شده و با پایه گرفتن جغرافیایی یک شهر یا استان برای دیگر شهرها و استان هاست بدون در نظر گرفتن بزرگی و کوچکی آنها.

ببینید چقدر اعداد اعلام شده همبستگی شدیدی دارند. انتظار می رفت در ابتدای اعلام آرا نسبت به نفع احمدی نژاد باشد ولی با اعلام آرای شهرهای بزرگتر این نسبت به سمت موسوی متمایل شود. ولی تابع خطی خیلی خوبی بین این دو عدد برقرار است که نشان دهنده تقلب است

انقلاب اسلامی: از شرطهای «رهبری»، یکی شرط عدالت است. بیانیه خامنه ای، روزی بعد از انتخابات رسوا و پیش از آنکه دوره رسیدگی به شکایات و اعلام رسمی نتایج آراء سر رسد، آشکارا ناقض عدالت است. حکم کردن به نامزدهای دیگر به حمایت از «رئیس جمهور منتخب»، غیر از این که آشکار می کند احمدی نژاد را او به ایرانیان تحمیل کرده است، نقض قانون خود ساخته و دروغگوئی است. مردم به حق شعار می دهند: «آنکه میگن عادل، دروغ میگن قاتله».

از آنجا که ایران وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شده است، قسمتهایی از بیانیه ها را می آوریم:

خامنه ای بر مردم روشن کرد که تقلب بزرگ ولایت مطلقه فقیه است:

*** سه قسمت گویا از بیانیه 23 خرداد 88، علی خامنه ای که ولایت مطلقه اش ناقض ولایت جمهور مردم و قولش دروغ و توهین به شعور مردم ایران است:**

• انتخابات 22 خرداد، با هنرنمایی ملت ایران نصاب تازه‌ای در سلسله طولانی انتخاب‌های ملی پدید آورد، مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوق‌ها و رأی بیست و چهار میلیون به رئیس جمهور منتخب یک جشن واقعی است که به حول و قوه الهی خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند.

• گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه‌هایی از تحریکات بدخواهانه، شریینی این رویداد را از کام ملت بزداینند. به همه آحاد مردم و بویژه جوانان عزیز که سرزنده‌ترین نقش‌آفرینان این حادثه‌ی شورانگیز بودند، توصیه می‌کنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شبیه پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند.

• رئیس جمهور منتخب و محترم، رئیس جمهور همه ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. بی شک این نیز امتحانی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند.

◀ باز خامنه ای در 24 خرداد 88، خامنه ای گفته است:

ملت ایران اسلامی با حضور گسترده و پرشور خود در این انتخابات ثابت کرد که به عزت ملی اهمیت می‌دهد و ایستادگی در مقابل زورگویان و زیاده‌خواهان و پایداری برای احقاق حق را جزو ارزش‌های اساسی و افتخار خود می‌داند و این را با این انتخابی که انجام گرفت نشان داد.

رهبر انقلاب اسلامی به تلاش دشمنان این کشور با راه‌اندازی جنگ روانی و تبلیغات وسیع آنان در رسانه‌های بیگانه برای دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات اشاره کردند و افزودند: حقیقتاً یک دست اعجاز‌آفرین الهی پشت این انتخابات بود؛ چراکه نتیجه آن، ده میلیون رأی بیشتر در مقایسه با بالاترین رقم مشارکت مردم در انتخابات 30 ساله است.

*** در 21 خرداد، یک روز بیش از روز رأی‌گیری، موسوی بخاطر تدارک تقلب‌ها به خامنه ای شکایت می‌برد:**

1- بعضی از اعضای شورای نگهبان در مرکز و تعدادی از ناظرین در استان‌ها با جانبداری علی از رئیس کنونی دولت، رعایت شئون بی‌طرفی را نمی‌نمایند.

2- وزارت محترم کشور و فرمانداران در پذیرش فهرست نمایندگان اینجانب در هیات‌های اجرایی، محل استقرار دستگاه‌های شمارشگر و شعب اخذ رأی تعلق نمی‌نمایند و قانون مصوب 1379/5/30 به صورت آشکار نقض می‌شود. آخرین اقدام غیرقانونی آنان جابه‌جایی نمایندگان معرفی‌شده از طرف ستاد اینجانب در شعب است که به هم ریختگی عجیبی ایجاد خواهد نمود. این عمل کارشکنی آشکار و موجب اختلال در انجام وظیفه آنان می‌گردد. این در حالی است که ستاد انتخابات کشور ضمن بختنامه شماره 45333/44 مورخه 88/3/9 بر صدور کارت نمایندگان نامزدها برای علی که معرفی شده‌اند، تاکید نموده است و این اقدام فرمانداران یا خودسرانه است و یا بختنامه داخلی دیگری خلاف متن قبلی ابلاغ شده که از آن اطلاعی در دست نیست.

3- شواهدی از مداخله تعدادی از فرماندهان و مسئولان سپاه و بسیج در انتخابات واصل گردیده است و به نظر می‌رسد این عمل در صورت صحت خبر علاوه بر نقض قوانین، شکاف بین فرماندهان و مسئولان رسمی و بدنه سالم و صادق نیروهای بسیج و سپاه را دامن می‌زند. از آنجا که دامنه اقدامات غیرقانونی فوق مشخص نیست و بخشی از اعضای شعب اخذ رأی و ناظران از حامیان نامزد خاص آنان انتخاب شده‌اند احتمال تصرف در آراء مردم اذهان را می‌آزارد.

4- بهره‌گیری رئیس دولت از امکانات دولتی در تبلیغات و مسافرت‌های تبلیغاتی مقامات رسمی و وزراء با استفاده از امکانات دولتی و نقض ماده 68 قانون که به وفور خبرهای آن را در رسانه‌ها می‌توان ملاحظه کرد از آن جمله است.

* میر حسین موسوی، نامزدی که قلب بزرگ به زیان او انجام گرفته، گفته است:

ملت شریف ایران
• نتایجی که برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد بهت آور است مردمی که در صفهای طولانی اخذ رای شاهد ترکیب آرا بودند و خود می دانند که به چه کسی رای داده اند با حیرت تمام به شعبده بازی دست اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می کنند.

آنان اینک بیش از همیشه به دنبال آن هستند که بدانند چگونه و توسط چه کسانی و مقاماتی طرح این بازی بزرگ ریخته شده است. اینجانب ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار می دهم که تسلیم این صحنه آرائی خطرناک نخواهم شد. نتیجه آنچه که از عملکرد متصدیان بی امانت دیده ایم و می بینیم جز تزلزل ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت دروغ و استبداد نیست. اینجانب طبق وظیفه شرعی و ملی خویش به افشای رازهای پشت سر این روند پرمخاطره خواهم پرداخت و آثار نابود کننده آن را بر سرنوشت کشور توضیح خواهم داد و ترس آن دارم که ادامه وضع موجود همه نیروهای موثر در نظام را به توجیه گرانی دروغگو در مقابل مردم تبدیل کند و دنیا و آخرت آنان را در معرض لطمه های جبران ناپذیر قرار دهد.

اینجانب از همین فرصت استفاده میکنم و ضمن تشکر از عواطف ملت بزرگوار ایران به آنان تذکر می دهم که ایران این موجود
• ایران آسمانی متعلق به آنان است و نه متقلبان، این آنان هستند که باید با هوشیاری خود از آن حفاظت کنند. خائنین به آراء مردم ابایی از آن ندارند که این خانه پارسایان به آتش کشیده شود. ما موج عقلانیت سبز خود را که برگرفته از تعالیم دینی و علایق ملت ما به اهل بیت پیامبر(ص) است با تمامی شور ادامه می دهیم و با شورش دروغ که در کشور طغیان کرده و چهره آن را آلوده است مبارزه میکنیم، اما اجازه نخواهیم داد که حرکات ما شکل کور به خود بگیرد.

* در 24 خرداد 88 ، میر حسین موسوی تقاضای ابطال انتخابات را کرده

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

بیرو دهها مکاتبه ستاد انتخاباتی اینجانب با آن شورا دایر بر تخلفات صریح انتخاباتی عوامل اجرایی وزارت کشور و نیز یکی از نامزدها که قطعاً در نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد ماه مؤثر بوده است و ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می شود، عدم صحت انتخابات محرز است و رسیدگی و ابطال آن درخواست می گردد:

۱ - در ایام تبلیغات خصوصاً در مناظره آقای احمدی نژاد، اتهامات بزرگی علیه بعضی از شخصیت های حقیقی از جمله آیت الله هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس خبرگان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز آقای ناطق نوری عضو محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس بازرسی ویژه مقام معظم رهبری، در رسانه ملی مطرح شد که بنا به اظهار صریح ریاست محترم قوه قضاییه و دادستان محترم کل کشور مصادیق روشن عمل مجرمانه بوده است. این اتهامات خوراک اصلی تبلیغات انتخاباتی آقای احمدی نژاد علیه سایر نامزدها، خصوصاً اینجانب قرار گرفت.

۲ - ایشان در مناظره های انتخاباتی اقدام به بیان مطالب خلاف امنیت ملی نمود که نتیجه آن زیر بردن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی سلام الله علیه بود. به علاوه عمل ایشان در افشای بعضی از موضوعات مجرمانه و سری با تلفیق موارد نادرست، از جمله متهم کردن دولت جمهوری اسلامی و وزارت کشور به سازماندهی اوباش برای حمله به جوانان و مردم و بریدن کراواتها و تراشیدن موی سر جوانان اتهاماتی واهی است که در هیچ مرجع قضایی مورد رسیدگی قرار نگرفته و بدیهی است که عملی مجرمانه محسوب می شود.

۳ - کارشکنی های عدیده مسئولان وزارت کشور و بسیاری از فرمانداری ها، از جمله فرمانداری تهران در ارائه کارت های نمایندگان جناب حجت الاسلام والمسلمین کروبی و اینجانب منجر به عدم امکان حضور تعداد قابل توجهی از نمایندگان ما دو نفر در محل شعب اخذ رأی و محلهای شمارش و تجمیع آرا گردید و نمایندگان نامزدها هیچگونه نظارتی بر انتخابات نداشته اند.

۴ - برخلاف اعلام کتبی قبلی مبنی بر اینکه شمارش آرا و تجمیع آن دستی خواهد بود، ستاد انتخابات کشور در حالی که هنوز تعدادی از شعب در حال شمارش آرای مردم بودند اقدام به اعلام نتایج در حجم انبوه نمود. این در حالی بود که هنوز صورت جلسه های موسوم به فرم های ۲۲ و ۲۸ از هیات های اجرایی دریافت نشده و تنها ملاک ارائه آمار ارقام موجود در سیستم های رایانه ای بود که هیچگونه وجاهت قانونی ندارد و موجب التهاب اجتماعی و نگرانی در جامعه براساس آمارهای فاقد مبنای قانونی می شود.

۵ - صدها شعبه اخذ رأی در مناطق مختلف کشور از جمله شیراز، تبریز، تهران و... در ساعات قبل و بعد از ظهر دچار کمبود تعرفه اخذ رأی شدند و این امر موجب توقف چند ساعته رأی گیری در آنها گردید. با توجه به اینکه تعداد تعرفه های چاپ شده با

فرض بالاترین تعداد متصوره شرکتکنندگان به گونه‌ای بوده است که بیش از ۱۷ میلیون تعرفه اضافی می‌توانست در اختیار وزارت کشور باشد تعطل شدیدی که در جریان توزیع تعرفه‌های انتخاباتی به چشم می‌خورد کاملاً ابهام برانگیز بود و نشان می‌داد که این تعطل و نیز اعلام توقف زمان رأی‌گیری، در حالی که هنوز تعداد قابل توجهی از مردم خواستار شرکت در انتخابات بودند از سر نگرانی نسبت به افزایش تعداد آرای مآخوذه از مرز ۱۰۰ درصد افراد واجد شرایط بوده است. طبیعی است که چنین اموری شائبه وقوع اقدامات غیرقانونی گسترده و وجود تعداد بی‌شمار آرای تقلبی در صندوقها را تحکیم می‌کند.

۶ - علاوه بر موارد فوق تخلفات فراوان صورت گرفته در روز و زمان اخذ رأی طی بیش از ۸۰ مورد نامه خطاب به آقای کدخدایی سخنگوی محترم شورای نگهبان توسط رابط اینجانب به آن شورا تقدیم شده است.

۷ - آقای احمدی نژاد در وقت تبلیغات اضافی که سازمان صدا و سیما به صورت غیرقانونی به ایشان اهدا کرد وقوع اقدامات ضد امنیتی را پیش‌بینی کرد و به طور ضمنی موفقیت خود را مسلم دانست و رقبا را متهم به توطئه چینی نمود، که تمامی اینها حاکی از برنامه‌ریزی‌های یشت برده برای دستکاری نتایج انتخابات است. به همین ترتیب تیتز خنر بیروزی آقای احمدی نژاد در سایت رجانبوز، فارس و ایرنا که چند ساعت قبل از پایان اخذ رأی رویداد و نیز تعیین تیتز روزنامه کیهان با همین عنوان طراحی قبلی اعلام چنین نتیجه‌ای را مشخص می‌سازد.

۸ - نقص ماده ۴۰ قانون جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مداخله نظامیان و بسیج در انتخابات و شرکت در میتینگ‌های تبلیغاتی آقای احمدی‌نژاد و استفاده گسترده از امکانات دولتی و نقض ماده ۶۸ قانون انتخابات از جمله تورگردی وزرا در استان‌ها و شهرستان‌ها (تا جایی که پس از سخنرانی معاون اول ریاست جمهوری در گیلان به ستاد اینجانب حمله شد) و حضور آقای وزیر خارجه در شهرهای مختلف ایلام، کرمانشاه، سنجان، گیلان و... در جلسات تبلیغاتی و استفاده آقای احمدی‌نژاد از هوایم‌های اختصاصی دولت برای حضور در میتینگ‌های تبریز و ارومیه و اصفهان و... نمونه‌های دیگری از تخلفات از فصول مختلف قانون مذکور به ویژه فصل هفتم آن بوده است.

نظر به موارد فوق انتظار دارم درخواست اینجانب در مورد ابطال انتخابات ۲۲ خرداد ماه مورد رسیدگی و اقدام قرار گیرد.
میرحسین موسوی"

*** در 24 خرداد 88، میر حسین موسوی به مراجع تقلید نامه نوشت و از آنها خواست به تقلب در انتخابات اعتراض کنند:**

مخبر مبارک مراجع عظام و علمای اعلام
با اهدای سلام، اینجانب اطمینان دارم که روند حوادث انتخابات ریاست جمهوری دهم را با دقت پیگیری کرده‌اید. اگر چه توسل به دروغ و استفاده بی حساب از امکانات عمومی و دولتی برای تبلیغات یکسویه به سود نامزد حاکم به خوبی نشان دهنده عزم این گروه خاص برای پیروزی به هر قیمت و از هر راه ممکن بود، اما تصور تقلب در آرای مردم تا این اندازه و برابر انظار شگفت‌زده جهانیان از حکومتی که تعهد به عدالت شرعی از ارکان اساسی آن شمرده می‌شود، برای کسی ممکن نبود.
امروز که با حیرت تمام شاهد چنین تصورات جسورانه در امانت مردم هستیم و تمامی راه‌ها برای احقاق حق بسته شده، مواجه شدن مردم مظلوم با سکوت علما و مراجع که ملجا راسخ این ملت شمرده می‌شوند، خسارتی بیش از یک تغییر در آرا را به دنبال خواهد داشت.

عواملی به بهانه‌های واهی با چوب و جناق و باطوم و شوک الکتریکی به جان اعضای ستادهای اینجانب و مراجعه کنندگان سرگردان و مبهوت از این وضعیت افتاده‌اند، در حالی که امیدی به کارایی قوه قضاییه محترم نمی‌رود زیرا جایی که دادستان کل کشور نتواند از سخن قانونی خود در پیشگیری از سخنرانی اضافی نامزد حاکم در سیما جلوگیری نماید، با چه ابزاری می‌تواند از این خشونت سیاه بازداری کند؟ به حسب وظیفه صیانت از آرای مردمی که اینک دچار چنین زیان عظیمی شده‌اند عرض حالی تقدیم و یادآور می‌شوم که شاید تذکر به جای شما به مسوولان مفید واقع شود.

ایاک و الظلم لمن لیس له الا الدعاء

برادر شما - میرحسین موسوی"

انقلاب اسلامی: به این نامه، در 25 خرداد 88، صانعی پاسخ داد:

◀ ... و اگر می‌پنداشتم که با تذکر اینجانب گره ای از مشکلات فعلی رفع می‌شد حتماً به جناب امرمقدس و لازمی اقدام می‌کردم، تا شک و شبهه به وجود آمده در انتخابات و آرای مردم مرتفع گردد. لکن با همه مشکلات و شرایط موجود چون باب دعا و توجه به خداوند بدون حجاب و مانع است و در هر زمان بشر می‌تواند با او ارتباط برقرار نماید بر خود لازم می‌دانم که برای شما و همه مردان و زنان این مرز و بوم و استمرار اهداف مقدس نهضت و جمهوری اسلامی امام خمینی (سلام الله علیه) - که همان اسلام ناب طرفدار کرامت و حقوق انسانهاست - دعا نمایم، برماست دعا و بر اوست اجابت.

*** بیانیه دوم مهدی کروبی در 24 خرداد 88 : ریاست جمهوری احمدی نژاد مشروعیت قانونی ندارد:**

نتیجه اعلام شده انتخابات برآمده از دو انحراف اساسی در مسیر تاریخ انقلاب است .
• اول: انحراف از جمهوریت نظام که نقطه شروع آن برگزاری دومین انتخابات مجلس خیرگان رهبری در سال 1369 و رد صلاحیت گسترده یاران امام (ره) پس از رحلت بنیان گذار جمهوری اسلامی بود و این انحراف سبب شد جمهوری مورد نظر امام مخدوش شود و امروزه حتی افرادی که در این انحراف مقصر بودند از آن آسیب می بینند و کار به جایی رسیده که از کلیت جمهوری اسلامی، هر دو رکن جمهوریت و اسلامیت با این انتخابات و اعلام نتایج مخدوش ان زیر سؤال رفته است .

• دوم : انحراف از اصلاحات که با فرصت سوزی و از دست دادن خودخواهانه موقعیت های بی نظیری که ملت ایران در حوادث پس از دوم خرداد 1376 در اختیار ما قرار داده بود شروع شد با سوء مدیریت و اجازه مصادره آن توسط ناهلان و سودجویان منتهی به انتخابات مجلس هفتم و سپس تشکیل دولت نهم که مهم ترین مخالف اصلاحات در سال 1384 و تثبیت او در سال 1388 گردید . من بار دیگر اعلام می کنم انتخاباتی که با حضور پرشور ملت ایران برگزار شد نباید وسیله سوء استفاده قرار گیرد و نتایج اعلام شده بر این انتخابات نامشروع و دولت برآمده از آن فاقد جاهت ملی و صلاحیت اجتماعی است و از اینرو آقای محمود احمدی نژاد را رییس جمهور ایران نمی دانم . اما از آن جایی که به اصل نظام جمهوری اسلامی باور راسخ دارم و این نوع انتخابات را تعریض به میراث و راه امام می دانم و از آن جایی که هنوز هم به ظرفیت نهادهای قانونی در جمهوری اسلامی باور دارم از شورای نگهبان می خواهم با ابطال انتخابات و در راستای خواست به حق ملت و اکثریت مردم بار دیگر این انتخابات را تجدید نماید و این بار به حق ، از آرای مردم پاسداری کند .

*** در دیدار 24 خرداد موسوی به خامنه ای و شکایت به مراجع قانونی! :**

◀ بنا بر سایت خامنه ای، بعد از ظهر 24 خرداد، موسوی با خامنه ای دیدار کرده است:

در این دیدار، موسوی در باره تقلبها به خامنه ای گزارش کرده است. خامنه ای به او گفته است از طریق مراجع قانونی، اقدام کند و به شورای نگهبان شکایت برد.

او با اشاره به نامه موسوی به شورای نگهبان گفته است: به شورای نگهبان تاکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود.

او با اشاره به تحریکات دشمن و برخی طراحی های یشت صحنه برای به آشوب کشاندن خیابان ها، خطاب به آقای موسوی افزودند: جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.

◀ در 25 خرداد، «شورای نگهبان» از نامزدهای شاکی خواست شکایت های خود را هرچه زودتر تسلیم این شورا کنند.

◀ محسن رضائی در نامه به احمدی نژاد خاطر نشان کرده است: یک ساعت بیشتر وقت در اختیار ما نیست. وزارت کشور هم گزارش تفصیلی در باره انتخابات را در اختیار ما نگذاشته است. بدین ترتیب ما چگونه می توانیم اعتراض کنیم؟

انقلاب اسلامی: 1 - خامنه ای با صدور بیانیه، امکان رسیدگی واقعی را از شورای نگهبان سلب کرده است. هرگاه شورای نگهبان بخواهد وقوع تقلب بزرگ را تصدیق کند، «رهبر» را هم تکذیب و هم دروغگو و غیر عادل گردانده و سبب عزل او از رهبری شده است. بنابراین این مسلم است که «شورای نگهبان» - که خود سازمان دهنده این تقلب بزرگ است - صحت انتخابات رسوا را تصدیق خواهد کرد.

2 - وقتی احمدی نژاد مردم اعتراض کننده را خار و خس می خواند و خامنه ای اعتراض مردم را آلت «تحریکات دشمن و برخی طراحی ها در یشت صحنه» توصیف می کند، «اقدام از طریق مجاری قانونی»، یعنی تسلیم شدن به زور «رهبر» سازمان دهنده تقلب بزرگ.

و از آنجا که هشدار بنی صدر، پیش از انتخابات که در آن، نسبت به «واقعیت بسیار تلخ» هشدار داده شده است و نیز دو بیانیه یکی به تاریخ 23 و دیگری به تاریخ 25 خرداد، در روزهای صادر شده اند که تاریخ ایران ورق می خورد، بعنوان سندهای تاریخی، در این مجموعه می آوریم:

هشدار پیش از انتخابات رسوا و فراخواندن به جنبش و همبستگی بعد از آن و تحول شعارهای مردم:

هشدار 19 خرداد ابوالحسن بنی صدر به مردم ایران

هموطنان!

آنها که می گفتند اگر این رژیم برود ایران نیز از میان می رود، امروز فریاد بر آورده اند که «وطن در خطر است». با سر دادن این فریاد، اعتراف می کنند که آن هشدار بیان حقیقت بوده است که، بنا برآن، وجود این رژیم با حیات ملی در تضاد است. با وجود این اعتراف، نه رژیم، بلکه مهره ای، آقای احمدی نژاد را عامل به خطر افتادن وطن جلوه می دهند. راستی اینست که وطن درخطر است اما این رژیم ولایت مطلقه فقیه است که وطن را به خطر افکنده است و ادامه حیات آن این خطر را قطعی تر نیز می کند.

طی سه دهه، وفاداران به اصول راهنمای انقلاب ایران، جنایتها و خیانتها و فسادهای رژیم را بر شما و جهانیان آشکار کرده اند. اینک، چهار نامزد خمیلی در برابر چشمان شما، تصدیق می کنند رژیم استبدادی حاکم بر ایران، رژیم تبهکاران و خائنان و فاسدان است. بیشتر از خیانتها و جنایتها و فسادهای که تصدیق می شوند، آتش فشان تخصص های درونی که سرباز می کند، اهمیت دارد. این علامت مهم و دیگرعلامتهای مرگ رژیم اهمیت دارند. اینک شما می دانید رژیم، در مرکز خود، با شدید ترین تخصصها روبرو است.

هموطنان!

اینک بر شما از روز روشن تر است که تنها کسانی صلاحیت یافته اند خدمتگزار این رژیم شوند، که در جنایتها و خیانتها و فسادها شرکت مستقیم داشته اند. از این امر که جنایتها و خیانتها و فسادها انکار نمی شوند، شکفت زده نشوید!. چرا که آتش فشان خصومت ها نه جایی برای گفتن می گذارد و نه حلی برای انکار. اینک، شما دیگر تنها در برابر «انتخاب بد و بدتر» قرار ندارید. در برابر بدترها قرار دارید. افزون بر این، گرفتار بدترین، یعنی ولایت مطلقه فقیهی نیز هستید که دیگر آدم سالم را تحمل نمی کند. پس، در برابر وجدان خود و در برابر وجدان جهانیان، مسئول رفتاری هستید که در پیش می گیرید. نمی باید کرامت و عزت ملی خود را در گرو رأی دادن به یکی از بدترها، بگذارید. بھوش باشید که فردا، روز بعد از انتخابات قلبی، روز رویاروشدن با واقعیتهای تلخ است.

هموطنان!

انتخابات رسوای کنونی، یک ویژگی دارد: حتی آنها که می خواهند در دادن رأی شرکت کنند، از روی رضا و رغبت رأی نمی دهند. شماری از آنها، امیدوارند رژیم را ناگزیر کنند تغییر کند و شمار دیگری به حداقل راضی هستند و امیدوارند مانع از بدتر شدن وضع شوند. هر گاه این دو گرایش از توانائی خود بهره جویند و جنبش را تا استقرار ولایت جمهور مردم ادامه دهند، با تحریم کنندگانی هم اندیشه و هم روش شده اند که تحریم را بخشی از جنبش برای الغای ولایت مطلقه فقیه و استقرار ولایت جمهور مردم می دانند. بنا بر این فرض، جنبش تحریم به یک هدف بزرگ دست یافته و آن هم نظر شدن جمهور مردم بر ضرورت تغییر از رژیم ولایت مطلقه فقیه به ولایت جمهور مردم است.

از این رو، هشدار عمل دارد:

1 - شما، آن بخش از مردم که می خواهید رأی بدهید چون فکر می کنید شدت گرفتاریها طاقتتان را طاق کرده است، بدانید که شدت گرفتاریها دلیل تحریم است و نه توجیه گر شرکت در دادن رأی. زیرا مسکن جای داروی درمانگر بیماری مهلکی را که ولایت مطلقه فقیه است، نمی گیرد. این بیماری از آن نوع بیماریها است که مسکن بسا مانع از درمان آن نیز می شود. شما نیازمند «مناظره ها» نبودید برای این که بدانید طی 3 دهه، وضعیت زندگی شما همچنان رو به وخامت بوده است. زیرا سخن راست را هر روز از واقعیت ها شنیده اید. هر روز، زندگی سخت تر گشته است و اینک شما از شدت فشارها در رنجی تحمل ناکردنی هستید. اما عقل سلیم به آدمی می گوید: برای رها شدن از شدت فشارها، به از میان برداشتن علت اصلی آن باید پرداخت. می دانم که می دانید که علت فشارهای طاقت شکن، ولایت مطلقه فقیه است که شما را از حق حاکمیت بر زندگی جمعی و فردی خویش محروم کرده است. پس به علم خود عمل کنید و رفتاری در پیش بگیرید که از مدعی ولایت مطلقه فقیه سلب مشروعیت و از این ولایت قلبی سلب وجود کند: با تحریم انتخابات قلبی، به ولایت مطلقه فقیه نه و به ولایت جمهور مردم، آری بگوئید.

2 - و اما شما که فکر می کنید، از راه شرکت در انتخابات، رژیم را ناگزیر از تحول می کنید. یعنی از دل ولایت مطلقه فقیه، ولایت جمهور مردم و مردم سالاری را بیرون می آورید!. به شما بخاطر آگاهی بر این واقعیت که راه حل الغای ولایت مطلقه فقیه و استقرار ولایت جمهور مردم است، تبریک می گویم. با وجود این هشدار می دهم:

- حق را نمی توان جزء جزء کرد و به یک یا چند جزء آن قانع شد. استقلال حق است. حقوق انسان ذاتی حیات انسان هستند. هیچیک از این حقوق را نه می توان جزء جزء کرد و نه به غیر انتقال داد. با توجه به این واقعیت بود که نه هندیان بجای استقلال، خواستار جزئی از آن شدند و نه، سیاهان افریقایی جنوبی خواهان الغای جزئی از تبعیض نژادی گشتند و در ایران، مصدق خواهان استقلال بمثابه یک حق شد. بسیار بودند و هنوز نیز هستند که می گفتند و می گویند چرا او به جزئی از استقلال بسنده نکرد. اما غفلت از تجزیه و انتقال ناپذیری حق استقلال، سبب کودتای 28

مرداد 32 و قرار داد کنسرسیوم و حاکمیت امریکا بر ایران گشت. از انقلاب بدین سو، همین غفلت موجب کودتای خرداد 60 و ادامه جنگ بمدت 8 سال و... و وضعیت امروز شده است. و اینکه، «انتخابات» ریاست جمهوری درگرو رابطه با قدرتهای خارجی است. این تجربه ها به ما ایرانیان می آموزند که باید تمام حق ؛ ولایت جمهور مردم، را خواست و بدست آورد.

تحریم انتخابات اظهار این حق، ایستادگی بر این حق و فراخواندن شفاف به این حق است. به وجدان خود رجوع کنید و از او بپرسید: اگر خواهید این حق را بی کم و کاست مطالبه کنید، چه بایدتان کرد همان کار را بکنید!.

- می پذیرید که عامل تغییر مردم ایران هستند. پس بجای اینکه خود را وسیله زور آزمائی متخاصمان در کانون قدرت حاکم کنید، شایسته آنست که توانائی خویش را به یاد یکدیگر آورید و بعنوان یک ملت رشید، خویش را از حق حاکمیت برخوردار کنید!

شما ملتی با تاریخی بس دراز هستید و فراوان درس های تجربه ها را در اختیار دارید. می دانید که تخاصم در مرکز قدرت، ناشی از تحول قدرت است. پس در بیرون از رژیم حاکم است که تغییر اساسی که انتقال ولایت به جمهور مردم است، می باید سازمان بیابد. آماده نشدن در بیرون از رژیم، از راه مطالبه حق ولایت جمهور مردم، ممکن است مدتی بر طول عمر رژیم بیفزاید، اما آن را از مرگ نجات نمی دهد. هرگاه در سطح جامعه، نیروی جانشین بیانگر ولایت جمهور مردم قوت نگیرد، بهای سنگین ادامه حیات و نیز سقوط رژیم را، مردم ایران می باید بپردازند.

هموطنان!

زمانه آقای هاشمی رفسنجانی را به اعترافی ناگزیر کرد که هم گویای استواری نخستین منتخب ملت ایران بر مطالبه حقوق ملی ایرانیان است و هم اعتراف است به توانائی مردم ایران هرگاه که تصمیم بگیرند به عمر رژیم استبدادی پایان دهند. بنا بر نامه او، بنی صدر نماد حاکمیت ملت و مروج بگبر ولایت جمهور مردم است. بدون این اعتراف، نه می توانست وضعیت امروز را با وضعیت دوران بنی صدر و ضد بنی صدر را با بنی صدر مقایسه کند و نه به خامنه ای بابت جنبش مردم هرگاه از مهار بگیرد، هشدار دهد و نه او را تهدید کند. او اعتراف می کند که او و آقایان خامنه ای و هشتی، آقای خمینی را به کودتا بر انگیزته اند و او را می ترساند که هرگاه بموقع عمل نکند، بسا فردا بسیار دیر باشد.

ایرانیان هوش باشید! بنا بر این نامه، تا پایان روز 19 خرداد، قرار بر بیرون آوردن آقای احمدی نژاد از صندوق است. زیرا هرگاه جز این بود، آقای هاشمی رفسنجانی این نامه را که از جمله آشکار کننده تقابل او با آقای خامنه ای است، نمی نوشت. آنچه در دو روز آینده روی خواهد داد، خواهد گفت که آیا آقای خامنه ای تهدید را جدی گرفته و تمکین کرده است یا خیر.

و بنی صدر که هیچگاه اعتماد خود را به مردم ایران از دست نداده است و تمام عمر برای استقرار ولایت جمهور مردم کوشیده است، نامه آقای هاشمی رفسنجانی و گفته ها و نوشته های دیگر شرکت کنندگان در کودتای خرداد 1360 را پیام امید تلقی می کند و به شما هومون عزیز خود می گوید: هم از این واقعیت آگاه است که دستگاههای تبلیغاتی غرب برای آقای میرحسین موسوی تبلیغ می کنند و هم می داند، وقتی بنا بر این می شود که «برضد» نامزدی رأی داده شود، وسوسه رفتن به پای صندوق رأی، واگیر می گردد. اما این را نیز می داند فردا که حقیقت تلخی خود را آشکار می کند، سردی یاس جای هجان را می گیرد. از این رو، فریضه خود می داند به شما مردم ایران هشدار بدهد که هم بلحاظ باز یافتن حق حاکمیت و هم بلحاظ استقلال ایران و جدا شدن حساب ملت از حساب رژیم خودکامه نزد جهانیان، و بنا بر این تضمین امنیت ملی، تخریب هرچه گسترده تر انتخابات قلابی، پیشنهاد درخوری به شما مردم ایران است. تردید نکنید که ولایت مطلقه فقیه محکوم به زوال است. بنا بر این، هدف می باید استقرار ولایت جمهور مردم باشد. توانائی خود را به یاد آوریم و برای هدفی که دستیابی به آن را به هیچ رو نباید به تاخیر انداخت، به جنبش همگانی روی آوریم.

معتمد شما

ابوالحسن بنی صدر
19 خرداد 1388

پیام ابوالحسن بنی صدر به مردم ایران

تقلب بزرگ شما را به جنبش همگانی می خواند

هموطنان!

آن بخش از شما مردم ایران که تحریم را رأی دادن به الغای ولایت مطلقه فقیه دانستید و آن بخش از شما ایرانیان که بدین خاطر در دادن رأی شرکت کردید که گمان بردید، بر ضد ولایت مطلقه فقیه رأی می دهید، اینکه در موقعیتی یکسان قرار دارید: در برابر رژیمی قرار دارید که حاکمیت را غصب کرده و برای مردم، بر حاکمیت، ولو

به اندازه یک ارزن، حق قائل نیست. از این رو، ثقلب بزرگ را بر خود «مشروع» می سازد و می کند.

در هشدارهای پیاپی به شما مردم عزیز ایران یادآور شدم که روز 23 خرداد، روز رویارویی با واقعیت بسیار تلخ است. اینکه شما رأی دهندگان سخت احساس فریب می کنید. اما نه وقت خود سپردن به این احساس و نه زمان هم آغوش شدن با غم و یأس است. تردید نکنید که

1 - این انتخابات رسوا، دو شکست خورده داشت که یکی از آنها آقای خامنه ای مدعی ولایت مطلقه فقیه و دیگری آقای هاشمی رفسنجانی، همدست او در کودتای خرداد 1360 و جنایتها و خیانتها و فسادها است. ولایت مطلقه فقیه، بر فرض که ثقلب بزرگ انجام نمی گرفت، باز بازنده بود. چرا که جمهور مردم ایران، از تحریم کنندگان و رأی دهندگان، مخالفت خود را با ولایت دروغ و دغل ابراز کرده اند.

2 - پیروز این انتخابات وفا کنندگان به عهد خود با ولایت جمهور مردم و شما مردم ایران هستید.

در هشدارها، تأکید شد که از 23 خرداد به بعد، زمان از آن پیروز شوندهگان، یعنی استواران بر حقوق مردم و شما مردم ایران هستید. چرا که وجدان همگانی نه تنها نسبت به هدف که استقرار ولایت جمهور مردم است، بلکه بر روش که به جنبش همگانی روی آوردن بقصد رسیدن به این هدف است، معرفتی شفاف پیدا می کند.

هموطنان!

نه وقت نا امیدی و غم که هنگام امید و شادی است. چرا که اینک می دانید ولایت مطلقه فقیه را نمی خواهید و ولایت جمهور مردم را می خواهید. اینک می دانید که روش حق، عمل به حق است و نه وسیله زورآمائی شدن در درون رژیم که در مرکز خود، گرفتار شدیدترین تخاصم ها است. اینک می دانید که حتی وقتی رژیم چهار مجرم را نامزد می کند، برای شما اختیار رأی دادن به یکی از آنها را نیز قائل نمی شود. چرا که شدت دشمنی در مرکز قدرت، دادن این اختیار را ناممکن کرده است. اینک می دانید چه کسانی با شما راست می گویند و انگیزه آنها نه قدرت و قدرتمداری که حقوق شما است. اینک می دانید چه کسانی به شما راست نمی گویند. اینک می دانید که نباید خود دستیار رژیم در فریب خویشتن بگردید. اینک می دانید که رژیم ولایت مطلقه فقیه با حیات ملی تضاد آشتی ناپذیر دارد و هرگاه بخواهید در استقلال، در آزادی، زندگی کنید، هرگاه بخواهید بر میزان عدالت اجتماعی، رشد کنید، می باید به جنبش همگانی روی آورید. اینک می دانید که توانائی دارید و این توانائی را برای بازیافتن حقوق خود می باید بکار برید.

جوانان ایران!

این امر را که به خیابانها درآمیدید و در فضای امید و شادی، یکدیگر را باز یافتید و با یکدیگر همدستان شدید، دلیل بر توانائی قدرت شکن خویش بدانید و آن را تمرین جنبش همگانی بشمارید و در تدارک این جنبش برای استقرار حاکمیت بر زندگی ملی و شخصی خویش شوید. ثقلب بزرگ هم هدف و هم روش را بر شما آشکار کرد. حالا می دانید که روش ناسازگار با حقوق شما که رأی دادن در عین علم به این واقعیت که حق حاکمیت از شما ستانده شده است، روش دستیابی به این حق نیست. این روش شما را به «حداقل» خواستها نیز نمی رساند. پس دیگرگوش به صداهایی که از دهان قدرتمدارها و توجیه گران قدرت بیرون می آیند، مسپارید. خویشتن را به عصبانیت و خشونت مسپارید. احساس توانائی با احساس امید و شادی و خون سردی همراه است و جنبش همگانی با خشونت زدائی همزاد است. با شفاف کردن هدف و روش همراه است. هدف را استقرار ولایت جمهور مردم بشناسید و تمام این حق را بخواهید و به تدارک جنبش همگانی برخیزید.

ایرانیان!

اگر تردید داشتید، اینک می باید تردید شما رفع شده باشد و ثقلب بزرگ، با وجود دشمنی در مرکز قدرت فسادگستر به شما گفته است که این رژیم میرنده است. ثقلب بزرگ به شما هشدار می دهد که نباید در بیراهه مرگ با این رژیم همراه شد. می باید به راه زندگی باز گشت. هرگاه با واقعیت تلخ این سان رویارو شوید، در دل، امید و شادی می یابید و بر می خیزید و برای استقرار حاکمیت خویش، روی به جنبش می آورید.

دلهای شما پر از امید و شادی و معرفت شما بر توانائی خود هرچه شفاف تر و عزم شما بر برخاستن، بازهم استوار تر باد.

23 خرداد 1388

معتدماً شما ابوالحسن بنی صدر

از ابوالحسن بنی صدر به مردم ایران

زمان همبستگی ملی و پیوستن نیروهای نظامی و انتظامی به این همبستگی است

هموطنان عزیزم

امروز روزی است که می باید مزرها را از میان خود بردارید. هیچ سخنی و بهانه ای نباید میان شما مرز پدید آورد. در برابر ولایت مطلقه فقیه که خود تقرب بزرگ و سازمان دهنده تقرب بزرگ است، شما مردم ایران می باید یک صدا شوید، حق خود را بخواهید و بستانید.

جنبش در همبستگی ملی می باید دراز مدت شود. برای این کار، بر دانشجویان و دانشگاهیان است که نه جدا از مردم که از طریق و همراه مردم جنبش را به پیش ببرند. برای آنکه جنبش همگانی شود و موجهای جنبش سرتاسر ایران را بگیرند، می باید هدفی که اینک روشن یعنی، نه به ولایت مطلقه فقیه و آری به ولایت جمهور مردم گشته است، همچنان شفاف بماند. جنبش دراز مدت مردم ایران می باید سازمانی سازگار با دو ویژگی این جنبش، همگانی و خودجوش بودن آن پیدا کند.

روشهایی می باید ابداع شوند که کمترین امکان مداخله را به قوای سرکوب گر بدهند. پرهیز از خشونت می باید با افشای خشونتهای ددمنشانه ای همراه شود که قوای سرکوب گر انجام می دهند و به پای مردم می گذارند. خشونت زدائی روشی است که می باید همه مکانی و همه زمانی بگردد. مردم می باید بسان موجهای بزرگ، شهرها و روستاهای کشور را فراگیرند.

ایرانیان مقیم خارج از کشور

با توجه به سانسوری که دستگاه ولایت مطلقه فقیه به مردم ایران تحمیل می کند، تداوم بخشیدن به جنبش اعتراضی و آگاه کردن مستمر افکار عمومی کشورهای محل اقامت و بسا برانگیزش مردم این کشورها به شرکت در جنبش اعتراضی، کمک بزرگی به مردمی است که اینک در برابر تقرب بزرگ آقای خامنه ای و دستگاه او، به استقامت ایستاده اند.

نیروهای مسلح ایران از نظامی و انتظامی بدانند!

با گذشت 30 سال، اینک وضعیت سیاسی کشور بسیار روشن گشته است: ولایت حق جمهور مردم است. آقای خمینی این حق را، در نوفل لوشاتو، مکرر تصدیق کرده است. سه دهه فساد و جنایت و خیانت رژیم ولایت مطلقه فقیه را از زبان نامزدها شنیده اید. به رفتار مردم خود و جهت عمومی تحول در ایران و جهان بنگرید و از خود بپرسید: آیا ولایت مطلقه فقیه می تواند دیر بپاید و آیا صحیح است آلت فعل متقلب بزرگ در سرکوب مردم خویش شوید؟ در میان شما، بسا هنوز کسانی باشند که به ارتشیان شاه، گل می دادند و در پیروزی گل بر گلوله شرکت داشته اند. شایسته شما نیست که ایرانیان، برادران و خواهران خود را سرکوب کنید. بدانید که سرکوبگری نه مانع تحول می شود و نه جهت آن را تغییر می دهد. به فردا، فردائی که مردم ولایت بر سرنوشت خود را باز می یابند، فکر کنید. در آن فردا، شما و فرزندان شما، در میان این مردم و فرزندان آنها زندگی خواهید کرد. امروز کاری نکنید که زندگی فردای همه با همه مشکل شود.

امید که شما مردم ایران توانائی خویش را هرگز از یاد نبرید و با مداومت بخشیدن به جنبش، در همبستگی، بر این توانائی استبداد شکن بیفزائید.

25 خرداد 1388

معتد شما ابوالحسن بنی صدر